

تظاهرات گسترده ضد جنگ در تهران

زحمتکشان جنوب شهر تهران در تظاهرات روز ۲۱ فروردین در محله ۱۳ آبان

نفرت خود را از جنگ و از رژیم، با رساترین شعارها ابراز داشتند

بروز حرکت های ضد جنگ در این شهرستانها، از سوی ارکان های حکومتی دستگیر شدند. در خرم آباد و بروجرد نیز دستگیری های وسیعی صورت گرفته است. خشم مردم نسبت به جنگ طلبی رژیم از یک سو و از سوی دیگر کینه بی پایان رژیم نسبت به مردم و نسبت به شعار صلح، که اکنون بیانگر مبرمترین خواسته مردم است، در تظاهرات روز چهارشنبه ۲۱ فروردین در محله زحمتکش نشین ۱۳ آبان، تجلی آشکاری یافت. چندین هزار نفر از مردم این محله و محلات مجاور آن پیاختند و یک صد افریاد مرگ بر جنگ و ننگ بر رژیم را سردادند. تظاهرات به دنبال قتل یک جوان به دست یک پاسدار مزدور، روز ۲۱ فروردین، آغاز شد. این بقیه در صفحه ۲

هفته گذشته در روز چهارشنبه ۲۱ فروردین نیروهای سرکوبگر رژیم به تظاهرات مردم زحمتکش جنوب شهر تهران در محله ۱۳ آبان (کوی نهم آبان سابق) حمله برده و آن را به خون کشیدند. پیش از این تظاهرات، در شهرستانها نیز نفرت مردم از تداوم جنگ که جلوه ای از نفرت آنها نسبت به رژیم ارتجاعی و جنگ طلب خمینی است، نمودهای بارزی یافته بود. خبرهای رسیده از همدان، اراک، بروجرد، سوسنگرد، بروجن و چند شهر دیگر همگی از گسترده گشتن ضد جنگ، حکایت می کنند. تظاهرات مردم سوسنگرد در ۱۹ اسفند و تظاهرات مردم اراک در ۲۶ اسفند و حرکت های مردم در دیگر شهرستانها با یورش وحشیانه مزدوران حکومتی مواجه گردید. در بروجن تعداد زیادی از مردم به دلیل



دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۴ برابر ۱۵ آوریل ۱۹۸۵
شماره ۴۰ - سال دوم - شماره ۵۲

تظاهرات تهران در رسانه های رژیم

سخنگویان دولتی، فدائیان خلق را از سازمانگران تظاهرات اعلام داشتند

رسانه های تبلیغی رژیم خمینی پس از چند روز سکوت دیروز ناگزیر شدند با تاکید بر نقش فدائیان خلق به رویدادهای بزرگ جنوب تهران اشاره نمایند. بازتاب گسترده اخبار مربوط به این تظاهرات توسط مردم و نقش فعال و افشاگرانه فدائیان در تهران و سراسر کشور، ادامه سکوت رژیم را پیرامون این رویداد مبارزاتی بزرگ ناممکن کرده بود و آنها را ناچار ساخت خبر از "اغتشاشاتی" بدهند که جنوب تهران را فرا گرفته است.

در روز شنبه سالک یکی از سرکوبگران اصلی رژیم خمینی و سرپرست کمیته های کشور، در سومین سمینار فرماندهان کمیته ها، در حالیکه از ضرورت هماهنگی تمامی ارکان های سرکوب، سپاه، کمیته، شوربانی و... سخن می گفت به مبارزات زحمتکشان محله ۱۳ آبان پرداخت. مطبوعات حکومتی در روز گذشته بخشهایی از سخنان او را منعکس کردند و نمایندگان مجلس فرمایشی نیز پیرامون آن به اظهار نظر پرداختند.

طبقا همه ارکان های تبلیغی و سخنگویان حکومتی تقلا کردند تا این اقدام انقلابی زحمتکشان جنوب تهران را تخطئه نمایند. اما واقعیات چنان تابناک بود که حتی این دروغپردازان حرفه ای راه یارای انکار همه آنها نبود.

رسانه های رژیم علاوه بر اینکه به وقوع بقیه در صفحه ۲

تازه ترین ددمنشی رژیم در زندان اوین

در صفحه ۷

در آستانه اول ماه مه

نگاهی کوتاه به جنبش اعتصابی

در کشورهای سرمایه داری

در آستانه اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر قرار داریم. در حالی که در کشورهای سوسیالیستی که طبقه کارگر قدرت را در دست گرفته است، کارگران خود را برای برگزاری هرچه باشکوه تر جشن خود آماده می سازند، طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری درگیر پیکارهای طبقاتی بردامنه ای با بورژوازی و سیاست های ضد کارگری آن است. آخرین نمونه رویارویی حاد و گسترده طبقه کارگر در برابر سرمایه داری، اعتصاب همگانی دانمارک است که برای تحقق هفته کار ۲۵ ساعته آغاز شد و علی رغم تصویب قانونی برای پایان دادن به آن، هنوز ادامه دارد. علاوه بر دانمارک، طی ماه ها و سال های اخیر بسیاری از کشورهای پیشرفته

بقیه در صفحه ۱۱

مسائل انقلاب و مواضع ما

سومین شماره "مسائل انقلاب و مواضع ما" نوشته رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان در روزهای پایانی سال گذشته منتشر شد. رفیق نگهدار در این جزوه به پرسش هایی چند پیرامون مسائل کنونی انقلاب و میهن و نیز برخی از مسائل مهم جهانی پاسخ می دهد. این سئوالات به ترتیب عبارتند از:

- * در مقابل جنگ تکلیف مردم چیست؟
- * نظر شما در مورد خمینی چیست؟
- * امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا در مقابل ایران از کدام سیاست پیروی می کنند؟
- * موقعیت کنونی سازمان چگونه است؟
- * کدام نیرو امکان و صلاحیت بدست گرفتن رهبری انقلاب را داراست؟
- * اهمیت چهل و پنجمین سالگرد پیروزی برفاشیسم و پایان جنگ جهانی دوم و مذاکرات ایالات متحده و اتحاد شوروی درباره محدود کردن سلاح های

بقیه در صفحه آخر

در این شماره:

مصاحبه «اکثریت» با «تیسیر»

عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین
در صفحه ۸

مسابقه کشتار، هنوز هم ادامه دارد

در صفحه ۱۳

آنها که می خواستند کمونیسم را ریشه کن سازند...

در صفحه ۱۰

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان

میعادگاه همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی

در صفحه ۱۴

رساتر باد فریاد اعتراض جهانی

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران!

درک می کنند و به وظایف انقلابی خویش در عرصه های مختلف آشنایی دارند. آنان وظایف انترناسیونالیستی خود را با وظیفه خویش در ارتباط با وقایع و روند انقلاب ایران پیوند می زنند و پیش می برند. فدائیان خلق با برقراری محکم ترین مناسبات با نیروهای ترقیخواه جهان پرشورترین حمایت را از مردم ایران در مبارزه علیه ارتجاع حاکم برانگیخته اند. نیرومندترین و پیشروترین تشکلهای دمکراتیک جهان و مطبوعات مترقی هر روز بیشتر از پیش از مبارزات مردم ایران پشتیبانی می کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

در اثر فعالیت های افشاگرانه فدائیان خلق، توده ای ها و دیگر نیروهای انقلابی اجتماعات، کنگره ها و نشست های مردم پیشرو و ترقیخواه جهان پیش از پیش به عرصه محکومیت جنایت های رژیم جمهوری اسلامی نیز بدل می گردد. انقلابیون کمونیست ایران در خارج از کشور با شرکت در مبارزات طبقه کارگر و مردم سایر کشورها به انجام وظایف انترناسیونالیستی خود برای پیش برد مبارزه جهانی در راه صلح، همبستگی ضد امپریالیستی و... می پردازند. آنان با درک انقلابی خود، بخوبی ارتباط عمیق بین روندهای انقلابی در سراسر جهان را

علیه جنگ، برای صلح، پیاخریم!

تظاهرات گسترده ضد جنگ در تهران

زحمتکشان جنوب شهر تهران در تظاهرات روز ۲۱ فروردین در محله ۱۳ آبان، نفرت

خود را از رژیم، با سرتین شعارها ابراز داشتند

پیش از تظاهرات ۲۱ فروردین نیز چندین حرکت جمعی اعتراضی در تهران پیش آمده بود. از جمله در روز ۹ فروردین در خیابان زرین نعل به دنبال یک بمباران هوایی، مردم جمع شده و به شعار دادن علیه خمینی پرداختند. اما حرکت ۲۱ فروردین، در میان مجموع حرکتها اعتراضی، این ویژگی را یافت که سریعاً گسترش پیدا کرد و به سختی مهار شد.

تظاهرات ۱۲ آبان سریعاً در همه نقاط تهران و در شهرستانها انعکاس پیدا کرد. رژیم در هراس از فراگیر شدن آن هیچ خبری پیرامون آن انتشار نداد اما مردم دهان به دهان آن را برای همدیگر نقل کردند. بلافاصله بعد از تظاهرات، کمیته اپالنی تهران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، در این مورد اطلاعیه‌ای انتشار داد که در سطح وسیعی پخش شد. با تشدید بمبارانها فعالیت تبلیغی و سازمانکرانه فداییان خلق گسترش کم ماندی یافت. در طول این مدت اعلامیه‌ها و تراکتها کمیته مرکزی و هواداران سازمان تاثیر افشاگرانه بزرگی برجای گذاشت. در هفته‌های گذشته در همین محله ۱۲ آبان به دفعات اعلامیه‌های سازمان پخش گردیده بود. در حرکت اخیر نیز فعالین فدایی فداکاریهای

شرفی از خود بروردادند. در تهران از نخستین روزهای دور جدید جنگ، جنبش ضد جنگ نمودهای بارزی یافت مردم تهران در برابر حملات هوایی رژیم سفاک عراق بی دفاع مانده‌اند. پدافند هوایی اساساً چماران، کاخهای دیروز و بارگاههای امروز و مراکزی نظیر رادیو وتلوویزیون وفروندگاه رازی پوش دارد. مردم تهران همچون مردم بسیاری از شهرستانهای غربی، جنوبی و مرکزی کشور در یک ماه اخیر مدام در حال اضطراب به سر می‌برند. هواپیماها می‌آیند، با فراغ بال در آسمان شهر چواری می‌دهند، بمب می‌ریزند و به راحتی می‌گریزند. تنها دقایقی بعد از بمبارانهاست که صدای ضد هوایی‌ها برمی‌خیزد. تنها تاثیر آنها افزودن بر وحشت و اضطراب مردم است. بعد از بمبارانها آژیرها به صدا در می‌آیند و رادیو از مردم می‌خواهد به پناهگاهها بروند. اما کدام پناهگاه؟ تهران و پناهگاه؟! جمعیت مترکم، خانه‌های کوچک و تنگ هم، که اکثرشان فاقد یک زیرزمین ساده نیز هستند، هدف خوبی برای هواپیماهای عراقی محسوب می‌شوند. مردم دیگر شبها خواب راحت ندارند. جنگنده‌های عراقی معمولاً بعد از نیمه شب سر می‌رسند و برای مردم کاری نمی‌ماند جز این که در کنج حیاطهای کوچکشان پناه گیرند. دیگر از ساعتی آسایش نیز محروم هستند. برخی‌ها در کوچه می‌خوابند. برخی‌ها اگر امکانش را داشته باشند

حدی بود که می‌خواستند سیل خون به راه بیندازند. آنها در طی یک درگیری بسیار شدید و خونین، عده‌ای را کشته، قریب به ۲۰ نفر را مجروح و صدها نفر را دستگیر کردند. هنوز از رقم دقیق کشته شدگان، اطلاعاتی در دست نیست.

پاسداران به شلیک کللوله متوسل گشتند، اما همچنان که در شعارهای مردم منعکس بود، مسلسل ارتجاع اثر نداشت. تنها بر خشم مردم افزود. مردم مستقیماً هیات حاکمه، خمینی و دستگاه خلافت ارتجاعی، ضد مردمی و ضد بشری وی را زیر ضرب شعارهای پر صلابتشان گرفتند. مردم کاملاً از پاسداران خمینی انتظار هر گونه وحشی‌گری و در خیم صفتی را داشتند. آنها می‌دانستند که جمهوری اسلامی سر آن را دارد که ۱۷ شهریور رژیم سرنگون شده شاه را به گونه هولناکتری تکرار کند. مردم به جنگ و گریز پرداختند. از دل همه کوچه‌ها و خانه‌ها شعار بر می‌خاست. تظاهرات به محلات مجاور سرایت کرد. گروه کثیری از زنان زحمتکش این منطقه جنوبی تهران که فعالان در تظاهرات شرکت داشتند در پی دستگیری گسترده مردان تظاهر کننده به سوی کمیته محل رهپار شدند. آنها برای مقابله با نفرات سرکوب با هر چه که می‌توانستند خود را مجهز کرده بودند. شعارهای انقلابی گروه زنان تظاهر کننده چنان خشمگین سر داده می‌شد که نفرات سرکوب را یاری مقابله نبود. تظاهر کنندگان پس از رسیدن به محل کمیته با درهای بسته و نفت‌های آماده روبرو گردیدند. آنها اخنار کردند که دستگیر شدگان در همان لحظه باید آزاد شوند. در برابر امتناع مسئولین کمیته آنها بطور یکپارچه به کمیته حمله بردند و درهای آثرا گشودند. پس از تصرف ساختمان کمیته معلوم شد که رئیس کمیته دستگیر شدگان را به محل دیگری انتقال داده است. زنان زحمتکش در وینچره کمیته را شکسته، برخی از اتومبیل‌های آن را آتش زده و همه اثاثیه آن را به خیابان ریختند. خشم مقدس زنان کوی ۱۲ آبان جلوه‌ای از خشم بی‌کرانه همه مردم ایران را نسبت به رژیم خیانتکار به نمایش گذاشت. حرکت مردم کوی ۱۲ آبان تا پاسی از شب گذشته، ادامه یافت.

رویداده‌های آتش خشم مردم را شعله و ساخت دقایقی چند نکلاشت که تظاهرات گسترده‌ای شکل گرفت. مردم دسته دسته از زنان و مردان و جوانان و کودکان به تظاهرات ملحق شدند.

در کوی ۱۲ آبان از چند روز پیش، به طور مشخص زمینه برای تظاهرات خشم مردم آماده بود. این محله مورد حمله هوایی قرار گرفته بود، بخشی از محله، از جمله خیابانهای شهرپور ۷ و ۸ خراب شده بود، جمعی کشته و زخمی شده بودند و مردم همگی جامه عزادری داشتند.

آغاز حرکت سریعاً در سرتاسر محله پیچید. مردم به مقابله با پاسدارانی که برای مهار حرکت می‌کوشیدند، برخاستند. خشم مردم به حدی بود که جمعی از آنان فرار را بر فرار ترجیح دادند. بقیه نیز مزه خشم مردم را چشیدند و متواری شدند. و به شدت مضروب شدند. تعدادی از وسایل نقلیه پاسداران نیز به آتش کشیده شد.

مردم دم به دم بیشتر و بیشتر شدند. از محلات مجاور نیز زنان و مردان و جوانان و کودکان با شتاب خود را به ۱۲ آبان رساندند. بخشی از مردم در خیابان یادآوران جنب پل هوایی عابریپاده متمرکز شدند. مردم بالای پل هوایی شعار می‌دادند و از ماشینها می‌خواستند چراغهای خود را روشن کنند. حرکات مردم و ابتکارات آنها روزهای انقلاب را به یاد می‌آورد.

نیروهای سرکوبگر رژیم در برابر مردمی که دم بدم انبوه‌تر شده و خشمشان جلوه‌های بارزتری می‌یافت، به راستی مستاصل شده بودند. آنها از کمیته‌های اطراف و دست آخر از کمیته‌ها و کلا نقریه‌های سراسر تهران کمک می‌طلبیدند.

در حدود ساعت ۵-۴ بعد از ظهر قریب به ۵۰۰ پاسدار موتورسوار به کمک واحدهای سرکوب آمدند. اما خشم مردم چیزی نبود که با ارباب و تهدید فرو بنشیند. دم به دم بر وحشی‌گری پاسداران مهاجم افزوده شد. نیروهای سرکوبگر رژیم که از مدت‌ها پیش مترصد آن بودند که با بروز حرکات ضد جنگ در محلات بمباران شده تهران، به روی مردم به جان آمده آتش بکشایند و مسلسل‌های خمینی را مکل هواپیماهای صدام سازند، از هر سو به تظاهر کنندگان حمله می‌بردند. اما آنها علی رغم آمادگی‌های عمومی قبلی، به راستی غافلگیر شده بودند. بی‌سیم‌های آنها دم به دم صدای کرد: "نمی‌شود جلوی مردم را گرفت. نیروی کمکی بفرستید. تظاهرات به محلات دیگر کشیده می‌شود."

نیروهای سرکوبگر رژیم ضد مردمی خمینی که با پتک شعارهای کوبنده، خشمگین و بر حق مردم روبرو بودند، ساجت را به اوج رسانده و به سوی مردم آتش گشودند تا بر دل مردمی که به تازگی بر اثر حملات هوایی صدام، داغدار شده بودند، داغهای تازه‌ای بنگارند. کمیته آنها نسبت به مردم به جان آمده به

علیه رژیم متحدشوم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم خمینی جوانان و همه چیز کشور را در آتش جنگ اهریمنی نابود می‌کند، خواهان و برادران انقلابی و آزادیخواه، شما را در سیاه‌لها شکنجه و کشتار می‌کند. رژیم خمینی خادم سرما به داران بزرگ و تجار غارتگر است، از حقوق شما می‌دزدد تا کیسه گشاسد آنان را پر کند. این رژیم دشمن اتحاد و شکل شماست، مدافع آزادی کلان سرما به داران است. رژیم خمینی خدمتگزار بزرگ مالکان است، به زور سر نیزه زمین دهقانان را می‌گیرد و به خانها و اربابها بازمی‌گرداند. شما رژیم شاه را سرنگون کردید، شما ستون اصلی مبارزه علیه رژیم هستید. متحد و متنگل شوید و سلاح اعتبار را علیه رژیم بکار رانند، زید، مقاومت رژیم را درهم شکنید. برای استقرار صلح و آزادی، برای تامین کار و ممکن، برای برانداختن گران و آوارگسی علیه رژیم متحدشوم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

تظاهرات تهران...

بقیه از صفحه اول

تظاهرات بزرگ ۲۱ فروردین اعتراف کردند، ناکزیر گردیدند که بپذیرند فدائیان خلق چه در محله ۱۲ آبان و چه در همه جای کشور در حرکات انقلابی مردم همراه و پیشاپیش آنان می‌روند. گذشته از این، مبلغین جمهوری اسلامی که همواره وقیعانه جنجال می‌کردند گویا حزب توده ایران را "ریشه‌کن" ساخته‌اند، توده‌ایها را نیز از جمله سازمانگران این حرکت معرفی کردند.

مطبوعات دولتی هم چنین سیدمتنر از انبوه دستگیرشدگان را از فعالین سازمان‌ها، حزب توده ایران و هم چنین مجاهدین خلق نامیدند. روزنامه اطلاعات در یکشنبه ۲۵ فروردین نوشت:

"در اغتشاشات جنوب تهران سیدمتنر از فدائیان (اکثريت)، توده‌ایها و منافقین دستگیر شدند."

علاوه بر این دیروز عده‌ای از اوباش حکومتی در حالیکه سوار موتور بودند، در چند خیابان تهران به حرکت در آمدند و شعارهای دولتی را تکرار کردند. از شعارهای اصلی آنها شعارهایی بود که علیه سازمان‌ها می‌دادند.

تاکید رژیم بر نقش سازمانگران فدائیان خلق در رویدادهای انقلابی کشور کمتر از دوماه بعد از زمانی است که ریشهری "مقام امنیتی" خمینی با شعبده‌بازیهای روبه‌صفتانه کوشیده بود و انمود نماید که گویا به سازمان‌ها آسیب‌هایی رسانده‌اند. روشن بود که این تشبیه نه فقط دیوانه‌ها که ابلهانه هم بود. حضور قدرتمند سازمان‌ها در همه عرصه‌های رژیم انقلابی در پیشاپیش مردم کار اینگونه آشفتگی‌ها را زار کرده است.

اینک سالک از نقش فدائیان در تظاهرات بزرگ ۲۱ فروردین سخن می‌گوید، همچنانکه پیش از او ظاهری نماینده خمینی اعتصاب شکوهمند کارگران

به روستاها و شهرستانهای دوردست کوچ می‌کنند. جنگ نیز که تنها بمباران نیست. گرانی کمرشکن فیز هست، صفهای طولیل نیز هست، به‌دوش کشیدن نعش عزیزانی که در جبهه‌ها کشته می‌شوند نیز هست. در این میان هیچ چیز مثل نعره‌های "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" سرکردگان رژیم مردم را به خشم نمی‌آورد.

رفسنجانی، این خیانت‌پیشه مزدور در نماز جمعه ۹ فروردین، بمباران تهران را یک برکت دانسته بود. وی با بی‌شرمی تمام گفت: با این بمبارانها "تهرانی‌ها معنی جنگ را یک مقدار بهتر فهمیدند. تهران یک قدری در متن جنگ آمد." رفسنجانی در این سخنرانی وقیحانه، آشکارا از بمباران تهران ابراز خوشحالی کرد. او برای انطباق خاطر دادن به اطرافیان و همپالکی‌هایش اعلام کرد در تهران به زعم او رفاه‌زده "همایوبی بلند نخواهد شد." همین عبارات نشان می‌دهند که رژیم چگونه تهران را روز حرکات توده‌ای گسترده در تهران بوده است.

تظاهرات بیست و یک فروردین پاسخی درخور به این بادهای رفسنجانی بود. مردم با این توده‌نی محکم به رژیم، نشان دادند که آماده‌اند به نفرت خود نسبت به جنگ و حکومت پاسخ جمعی دهند، آنچه را که در محیطهای کار، در صف‌های نان و گوشت و نفت بر زبان می‌آورند و همه آن کینه و نفرتی را که قلبشان را آکنده است، در شعارهایی پر صلابت بیان داشته و در حرکت‌های گسترده به نمایش بگذارند. این حرکت‌ها دیر زمانی است که آغاز شده‌اند و اکنون می‌روند که گسترده‌تر و همگانی‌تر شده و به کامل‌ترین جلوه جنبش ضد جنگ در میهن مابدل گردند.

مردم دیگر به نفرت‌آوردن جوانان خود به جبهه‌ها بسنده نمی‌کنند، مردم دیگر به افشای جنگ‌طلبی رژیم در جمع‌های کوچکی نظیر صفهای خرید ارزاق عمومی اکتفا نمی‌کنند، مردم به حرکت‌های گسترده رو آورده‌اند و این عاملی است که رژیم نمی‌تواند آنرا در محاسبات خود منظور نکند. اکنون مردم نیک دریافته‌اند که تنها اراده آنهاست که می‌تواند به جنگ پایان دهد. زحمتکشان جنوب تهران اراده همه مردم را به تجلی نهاده‌اند.



مردم باختران اجساد عزیزان خود را از زیر آوارهای بمبارانها بیرون می‌آورند.

علیه رژیم متحد شویم
به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

دوب آهن اصفهان را مرتبط با عملکرد فدائیان خلق نامید و مسئولین منطقه مغان اعتصاب کارگران کشت و صنعت را نتیجه فعالیت فعالین سازمان‌ها اعلام کردند و یا در دورود راهپیمایی گسترده مردم را "کار فدائی‌ها" دانستند...

حقیقت اینست که نه فقط در محله ۱۲ آبان یا دوب آهن اصفهان که در تمامی پهنه کشور فدائیان خلق فعالانه در جهت سازماندهی مبارزه مردم علیه ارتجاع حاکم می‌روند. ما برای درهم شکستن ارتجاع حاکم بپا خاسته ایم. این همان راهی است که مردم در پیش گرفته‌اند. فدائی در هر جایی که هست در پیشاپیش مردم پرچم مبارزه را بردوش می‌کشد. تشدید فعالیت گسترده افشاگران و سازمانگران اعضا و هواداران دلیر سازمان‌ها در مبارزه علیه جنگ در هفته‌های اخیر که مردم بسیاری از شهرهای کشور زیر بمبارانها کشتار می‌شوند، توانمندی سازمان‌ها را در ایفای وظایفشان نشان داده است. کثرت اعلامیه‌هایی که در یک ماه گذشته پیرامون همین امر توسط سازمان‌ها و هواداران منتشر شد تنها بخشی از گستره پهناور کار تبلیغی فدائیان محسوب می‌شود. پیش از تظاهرات ۲۱ فروردین، الحاحیه کمیته مرکزی سازمان تحت عنوان "علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزیم" در تیراژ وسیعی در تهران و شهرستانهایش گردید. پس از کشتار مردم محله ۱۲ آبان توسط جلادان رژیم خمینی، الحاحیه کمیته ایالتی تهران نقش افشاگران عظیمی برجای نهاد. تراکتهای سازمان با شعار "علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزید" خیابان‌های شهر را آذین بسته است. از این روست که در همه عرصه‌های مبارزه مردم علیه جنگ و علیه رژیم نام فدائی‌ها طنین‌انداز است.

سالک در سینار فرماندهان کمیته‌ها از نقش فدائی در محله سیزده آبان سخن می‌گوید. اما همه پهنه میهن شاهد رژیم پیگیر فدائیان خلق در اتحاد مبارزه مردم علیه مردم علیه رژیم تبهکار خمینی است.

بمباران مناطق مسکونی و کشتار مردم بی‌گناه ایران و عراق محکوم است جنگ باید بی‌درنگ پایان یابد!

این تیتر اعلامیه‌ای است که فعالین فدائی در تهران در تاریخ ۲۲ اسفند ۶۳ به دنبال آغاز دور جدید جنگ، انتشار داده‌اند. در بخشهایی از این اعلامیه که در سطح وسیعی در تهران پخش شد، چنین می‌خوانیم:

هم میهنان مبارز!

چهار سال و نیم از جنگ خانمانسوز ایران و عراق می‌گذرد... سران خیانت پیشه جمهوری اسلامی هم چنان اصرار دارند که به قیمت ویرانی مملکت و با "گوشت دم توپ" قرارداد مردم، تنور جنگ را گرم نگه دارند...

ادامه جنگ تا به امروز در آستانه عید نوروز، میلیون‌ها تن از مردم ما را داغ‌دیده و عزادار کرده است. دیگر روزی نیست که عده‌ای از هموطنان ما زیر بمبارانهای وحشیانه رژیم عراق، خانه و کاشانه و بیا همه هست نیست خود را از دست ندهند.

هم اکنون میلیون‌ها تن از ساکنین تهران نیز، با دغدغه و اضطراب شبها را به صبح می‌آورند و هر آن نگران آنند که خانه بر سر خود و جگر گوشه‌ها نشان خراب شود. سران جمهوری اسلامی به جای مذاکره و تلاش برای پایان دادن به جنگ، تحت عنوان "مقابله به مثل" و در حقیقت به عنوان پاسخ جنایت با جنایت، کودکان و زنان و پیران و جوانان عراقی را به خاک و خون می‌کشند. آنها در حالی که خود در مکان‌های امن جاکش کرده‌اند، در برابر بمبارانها رژیم جنایتکار عراق تنها کاری که برای مردم بی‌دفاع می‌کنند، آن است که از آنها بخواهند به پناهگاههای مطمئن پناه برند. گویا آقایان نمی‌دانند که اکثریت مردم زحمتکش، با چه امکانات محدودی زندگی می‌کنند.

همشهریان، مردم مبارز!

ما خود می‌بینید که رژیم جمهوری اسلامی برای زندگی مردم، کوچکترین ارزشی قایل نیست. آنها دیوانه وار بر طبل جنگ می‌کوبند. نجات ما از وضع رقت بار کنونی در اتحاد ماست. متحد شویم. مطمئن باشیم که رژیم در برابر مبارزه یک پارچه ما کاری از پیش نخواهد برد... فریاد اعتراض خود را در هر جاکه هستیم و به هر شکل ممکن، علیه جنگ و رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی بلند کنیم. از تهدید و ارعاب رژیم نترسیم. با کسرتش اعتراض و تظاهرات، مخالفت خود را با ادامه جنگ به نمایش بگذاریم.

ضوابط خدمت نیمه وقت بانوان

در اولین جلسه مجلس شورای اسلامی در سال جدید لایحه نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب دهم آذرماه ۱۳۶۲ به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

به موجب این قانون، زنان شاغلی که به صورت نیمه وقت در وزارت خانه ها و شرکت های دولتی خدمت نمایند، تنها نصف حقوق و مزایای خدمت تمام وقت خود را دریافت خواهند داشت و در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و دریافت پایه این گونه کارمندان نصف مدت خدمت نیمه وقت منظور و محسوب خواهد شد. این گونه کارمندان از دریافت فوق العاده اضافه کار ساعتی و فوق العاده روزانه محروم خواهند بود و سنوات خدمت و ارتقای گروه آنها نصف سابق تجربی مقرر در طرح طبقه بندی مشاغل، محاسبه خواهد گردید.

در صورتی که این گونه کارمندان نیمه وقت بخواهند مجدداً به عنوان تمام وقت به کار خود ادامه دهند، می بایست موافقت موسسه مربوطه را جلب نمایند. موافقت بر اساس تشخیص ضرورت خواهد بود.

این لایحه گام دیگری در جهت حذف زنان از عرصه جامعه است. کارمندان زن زیر فشار قراردادند تا به صورت نیمه وقت در آیند و بعد به بهانه "عدم وجود ضرورت" به کار آنها پایان داده شود.

تبلیغ برای جذب پول در بانکها

مبادلات پولی در بانکهای جمهوری اسلامی در مجموع در یک حالت رکود قرار دادند. بدنبال اجرای قانون اسلامی کردن بانکها بر میزان رکود فعالیت های بانکی افزوده شده است. صندوق شعبات بانکها بعضاً آنچنان از پول خالی هستند که مشتری قادر نیست پول خود را وصول کند و باید از چند ساعت تا چند روز معطل بماند. گاه سربرج که می شود بانکها قادر نیستند حقوق کارمندان را نیز بپردازند. آنها ناچارند در صف بایستند تا شاید به بانک پول واریز شود و بانک برای پرداخت حقوقشان پول داشته باشد. کارمندی یکی از شعبات متوسط بانک ملی در نامه ای برای نشریه مائوخته است که در طی ۶ ماه اول امسال در شعبه آنها ۱۵۰ حساب بسته شده و در عوض تنها ۱۰۰ حساب جدید افتتاح گردیده است.

کم پولی بانکها به صورت نبود اسکناسهای درشت در آنها نیز نمود دارد. بعضاً برای دریافت تنها دو سه هزار تومان پول از بانک باید یک کیف بزرگ نیز همراه داشت تا بتوان اسکناسهای ده تومانی و بیست تومانی را حمل کرد.

دولت به شکلهای مختلف تلاش دارد به صندوق بانکها پول جذب کند. وادار کردن مردم به سپردن پول به بانکها برای قرعه کشی پیکان گرفته تا سفرهای زیارتی، یکی از تهیدات رژیم برای رفع این مشکل است. اخیراً آگهی هایی نیز در روزنامه ها به چاپ می رسانند که یادآور تبلیغات بانکها در رژیم پیشین است. در این تبلیغات بانکها وعده می دهند که به مشتریهای خود جوایزی اعطا نمایند.

شیخ خلیفه آل ثانی دیدار داشت. بعد از این دیدار گفته شد دبیرکل سازمان ملل یک برنامه ۸ ماده ای برای پایان دادن به جنگ را با مقامات رژیم ایران در میان گذاشته است که آنان مواد مربوط به قطع سریع حمله به شهرها و کشتی ها و تضمین آمد و رفت هوایی و دریایی را در این برنامه پذیرفته اند ولی با ماده مهمی که به آتش بس کلی اختصاص داشته است، مخالفت کرده اند.

خاویر پرز دو کوئیار در بغداد با صدام حسین و طارق عزیز دیدار داشت. طارق عزیز بعد از مذاکره با وی هنگام مشایعت دبیرکل سازمان ملل در فرودگاه بغداد اظهار داشت که جنگ ادامه خواهد یافت. خاویر پرز دو کوئیار در رابطه با سفر خود به تهران و بغداد گفت شکاف بین دو کشور تقلیل نیافته است، ولی او وظیفه خود می داند به تلاشهای ادامه دهد. وی در سر راه خود به نیویورک در فرودگاه هیتروی لندن با ریچارد لوس وزیر امور خارجه میانه ای کابینه تاجر ملاقات کرد.

در هفته گذشته ابراز مخالفت مردم با تداوم جنگ نمود بارزی یافت. روز چهارشنبه ۲۱ فروردین تظاهراتی در محله ۱۲ آبان تهران صورت گرفت که با سرکوب وحشیانه پاسداران خینی مواجه گشت. در جریان سرکوب این تظاهرات گسترده تعدادی کشته و عده زیادی زخمی و دستگیر گردیدند.

دیدار معاون وزارت خارجه ج.ا. با آندره ئی گرومیکو

روز شنبه ۱۷ فروردین کاظم پور اردبیلی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با آندره ئی گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مسکو دیدار کرد. به گزارش خبرگزاری تاس وی در این دیدار مواضع معلوم جمهوری اسلامی در جنگ با عراق را تکرار کرد و گرومیکو بر ضرورت برقراری صلح بین دو کشور ایران و عراق و نیز ضرورت حسن همجواری بین دو کشور ایران و شوروی تاکید کرد.

مشاور عالی ضیا الحق در تهران

روز شنبه ۱۷ فروردین فرستاده ویژه ضیا الحق برای ملاقات با مسئولین رژیم جمهوری اسلامی وارد تهران شد. وی در دیدار با خامنه ای پیام ضیا الحق را به وی تسلیم کرد. مضمون این پیام فاش نشده است. مشاور عالی ضیا الحق با ولایتی نیز دیدار نمود. در این دیدار بر لزوم توسعه مناسبات دو کشور تاکید شد. قرار است به دعوت صاحب زاده یعقوب خان، وزیر امور خارجه پاکستان، ولایتی به این کشور سفر کند.

نحوه رسیدگی به پرونده کارمندان متخلف

کم کاری در ادارات که نمودی از نارضایتی نسبت به جمهوری اسلامی است، مقامات رژیم را به گرفتن تصمیمات تازه ای واداشته است.

به موجب دستور دادستان کل کشور "پرونده کارمندان متخلف و خاطی به منظور تعیین تکلیف نهایی، خارج از ثبوت در محاکم دادرهای انقلاب اسلامی، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت."

از رویدادهای ایران

فشرده اخبار جنگ

روز شنبه هفته گذشته عراق به پانزدهمین حمله هوایی خود به تهران دست زد. جمهوری اسلامی نیز به شهر راحیه عراق یک حمله هوایی صورت داد و بصره و شهرک های اطراف آن را زیر آتش توپخانه خود قرار داد. علاوه بر تهران، عراق با موشک به سه شهر رامهرمز، دزفول و نهاوند حمله برد. تنها در نهاوند بر اثر این حمله دست کم ۱۶ نفر کشته شدند. عراق اعلام کرد که این حملات را در پاسخ به حمله موشکی روز جمعه ۱۶ فروردین به بغداد صورت داده است.

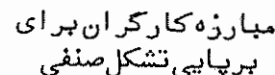
در روزهای یکشنبه و دوشنبه هم زمان با سفر خاویر پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد، به تهران و بغداد، حمله مهمی صورت نگرفت. ستاد مشترک ارتش و سپاه جمهوری اسلامی خبر از تبادل آتش در مناطق نوسود، اروندرود، قصر شیرین و شمال غرب در روز یکشنبه ۱۹ فروردین داد. عراق نیز بلافاصله بعد از عزیمت خاویر پرز دو کوئیار از بغداد اعلام کرد که یک هدف دریایی و دو شهر سرپل ذهاب و کیلندغرب را بمباران کرده و سردشت را زیر آتش توپخانه قرار داده است.



پیر مرد عرب بر ویرانه های خانه اش در رامهرمز

دبیرکل سازمان ملل بعد از ورود به تهران اعلام داشت که طرح خاصی را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق در نظر ندارد و صرفاً برای تبادل نظر به ایران سفر کرده است. خاویر پرز دو کوئیار از آن رو این موضع را گرفت که مقامات جمهوری اسلامی از پیش اعلام کرده بودند که در سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران تنها درباره جنگ شهرها گفتگو خواهد شد و از آتش بس کلی سخنی به میان نخواهد آمد. مقامات جمهوری اسلامی آنسان که رسانه های گروهی این رژیم انعکاس دادند، در دیدار با خاویر پرز دو کوئیار موضع همیشگی خود را اعلام داشتند. خامنه ای گفت ایران در شرایط خود تغییری نداده و خواهان سرنگونی صدام است. موسوی گفت بغداد باید انتظار موشک های دیگری را داشته باشد و جمهوری اسلامی می تواند جنگ شهرها را تا پیروزی نهایی ادامه دهد. رفسنجانی نیز در سخنرانی مهم خود در نماز جمعه هفته گذشته شرایط همیشگی جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به جنگ تکرار کرد.

خاویر پرز دو کوئیار ظهر روز دوشنبه ۱۹ فروردین، از طریق قطر راهی بغداد شد. در قطری با



دربار ابر فجاج جنگ
چه کسی باید پاسخگو باشد؟

تهران- چندی پیش یکی از واعظ حکومتی در جمع کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به موعظه پرداخت. او حضار را نصیحت می کرد که به دنبال لهو و لعب نگردند. در این حین کارگری برخاسته و به این واعظ اعتراض می کند. در پی آن مباحثه ای میان این کارگر و آن واعظ در می گیرد که بخشی از آن چنین است:

— امروز صبح وقتی که از خاندام بیرون می آمدم بچه ام از تب می سوخت و من پول نداشتم او را پیش

درونی رژیم سراپا فساد جمهوری اسلامی به مانند مناسبات درونی یک باند گانگستری شده است. سندی را که مشاهده می‌کنید، نامه‌ای است که ترکان استاندارد هرمزگان خطاب به دیگر مقامات منطبقه نوشته است. این سند مناسبات داخلی اعضای باند حکومتی را برملا می‌کند. ترکان پس از ارسال این نامه و ترک منطبقه به تهران رفت تا موقعیت متزلزل خود را با بهره‌گیری از حامیان طراز اول خود مستحکم کند. اما دستبندی در تهران حادثتر و سستی‌ها شدیدتر بود. هر گامی به پیش واکنش چنانچه دیگری را برمی‌انگیخت. مشکل آقایان ترکان لاینحل ماند. اوجی برای تعیین تکلیف در تهران اقدام به بست نشینی کرد، ولی بی‌بی‌حاصل بود. کلاف سردرگم حکومت ناگشوده ماند. او بالاخره منصبش را از دست داد و پس از دو ماه شخصی به نام خردمند به عنوان سرپرست استاندارد بر جای او نشست، تاوویت او که فرارسد.

دکتر بیرم: آن وقت شما به من می‌گوئید دنبال
الوایی نروم - همه مردم مثل من زندگی می‌کنند و پول
این جور کارها را ندارند.

- میدانم وضع شما کمی مشکل است ولی به خاطر جنگ
این مشکلات را باید تحمل کرد...

- خوب جنگ را تمام کنید تا این مشکلات هم تمام
شود.

- در این صورت جواب خانواده شهدا را چه بدهیم.

- آیا تو حاضری جواب آن‌ها را بدهی؟

- چرا من باید جوانشان را بدم - آنهایی که جنگ را
ادامه می‌دهند باید جوابگو باشند.

مدتیست که در شهر ری و روستاهای اطراف
اشارار افغانی در حالیکه از حمایت ضمنی ارگانهای
دولتی برخوردارند به ایذا و آزار مردم مشغولند.
علاوه بر جنایات و سرقت‌هایی که انجام می‌دهند،
وسیعاً به پخش هروئین و دیگر مواد مخدر
پرداخته‌اند. سه روز قبل گروهی از کارگران که در
محل کارگران بیکار مجتمع بودند به گروهی از اشارار
بناظر اینگونه اعمال اعتراض کردند. در برابر
واکنش اوباشانه آنها کارگران به مقاومت برخاستند
که در نتیجه آن زد و خورد سنتقینی رخ داد. مردم محل
از کارگران پشتیبانی به عمل آوردند.

نماینده مورد اعتماد وزارت کار

تهران- وزارت کار، آن دسته از سندیکاها را که تاکنون نتوانسته است منحل نماید، به انحاء گوناگون تحت فشار قرار می‌دهد. از جمله آنها، سندیکای خیابان است. اخیراً این وزارت خانه خودسرانه شخصی را به نام نماینده کارگران خیابانه سندیکا معرفی نمود. این شخص در رژیم گذشته از

سندی از مناسبات و فضاحت باردرونی رژیم

فعالین حزب رستاخیز بود. کارگران خباز در اعتراض به این اقدام خودسرانه و تحمیل چنین شخص منفوری به وزارت کار رفتند. در آنجا سند همکاری فعال او را با حزب رستاخیز ارائه کردند. اما مسئولین وزارت خانه پاسخ دادند "ما کسی را نمی‌خواهیم که مورد اعتماد باشد، این شخص مورد اعتماد ما است"

تشدید منازعه میان
ارگانهای دولتی، در گیلان

رشت-درگیری های مقامات حکومتی در گیلان در روزهای "دهه فجر" شدت بیشتری گرفت. دستجات وابسته به باند های حکومتی مختلف با یکدیگر به مناظره برخاستند. نفقات وابسته به استاندار، اطرافیان احسان بخش و افراد باند حجتیه و گردانندگان سابق کمیته منفور باقرآباد، محورهای اصلی درگیری ها را تشکیل می دادند.

در مراسم حکومتی روز ۲۲ بهمن در میدان شهرداری رشت که تنها توانستند ۲۵۰ نفر را گرد آورند، معاون فرمانده سپاه منطقه در سخنان خود شعار "مرگ بر حزب الله ضد ولایت فقیه" را داد. نفرات حجتیه حاضر در مراسم که از این شعارخمشکن شده بودند، با هو کردن و اکتش نشان دادند. گروهی از حضار نیز احسان بخش را در حین سخنرانی هو کردند. "نماینده امام" خطاب به آنها فریاد کشید که "خفه شوید". اما با هو مکرر، سخنرانی او ناتمام ماند و احسان بخش مجبور به ترک تریبون شد. پی گیری ماجر را در روز بعد باعث بروز کشاکش میان استادان و برخی از تجار گردید. در پی آن نیروهای مسلح وابسته به طرفین به دستگیری منسوبین طرف دیگر پرداختند.

تاریخ ۱۸/۱۱/۷۶
شماره ۵۵۴۷۶
مهر و امضاء

وزارت کشور
استاندارد ملی ایران

فوری

تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۷
شماره ۷۷-۴۵۴
چاپخانه چاپخانه

وزارت کشور
استاندار، استان همدان

استاد محترم :
برای کمال محترم
بمستاد را محترم
مستادان محترم
مستادان محترم
مستادان محترم
مستادان محترم
مستادان محترم

[Signature]

فوری

ی: و در هر دو مسئله این مطلب هستم که آدمیایی که در درازایم همه میدانند و مردم و خواستهای آنها را به اعتنا نهند و با روشی ناسازگار تصمیمات را با روش طرد میجند. اما به لحاظ احترام به مقام و روحیات خود را از سر خود خارج از قاعده و سر خود تصمیم میگیرند و اصولی در پی اجرای عدالت و تشریفات مراجع قانونی میبینم. خود را میپسندند و هر دو را به علی رقم طاعتی که برای جویع انسانها و نعمت و در هر دو میان مردم معنوی احترام به این نوع رفتار است. اما اعتراض به هر دو صورتی که مسئولین مربوطه است این را دستکم و برادران و بزرگواران مسئول کشور و یکی و مادرین قاضی

[illegible]

آیهی که خداوند مآربه را در استعدایت فرماید:

استاد احمد رضا خان
اکبر آبادی

١٩٥١

از میان نامه‌ها

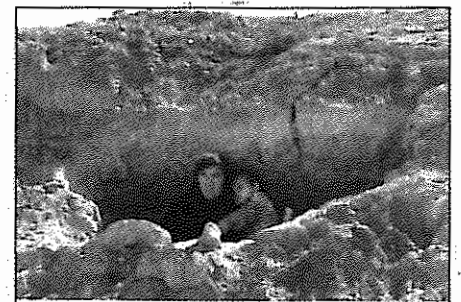
مردم تهران:

خمینی عید ما را عزاکرد

اکثر نامه‌هایی که در چند هفته گذشته از تهران دریافت کرده‌ایم، به توصیف فضای غم انگیز و پر اضطراب تهران در عیدی که بر اثر جنگ طلبی رژیم به عزای تبدیل شد، اختصاص دارد. در زیر ما توجه خوانندگان را به بریده‌هایی از چهار نامه جلب می‌کنیم. از طریق این نامه‌ها به وضوح می‌توان دید که تهران همچون دیگر شهرهای میهنمان سال جدید را در چه شرایط دردناکی آغاز کرده است:

* "... حملات هوایی هواپیماهای عراقی به تهران، موجی از نگرانی و دلهره را در بین مردم برانگیخت. غم و اندوه و خشم در چهره مردم، مردمی که به جای شادی عید عزاداری می‌کردند، موج می‌زد. وقتی هواپیماها حمله می‌کردند، خشم مردم نسبت به دستگاه اوج می‌گرفت. در بسیاری از محلات و کوچه‌ها، از جمله در میدان آذری و سی‌متری جی من خود از نزدیک می‌دیدم که مردم با صدای بلند اعتراض خود را بیان می‌کردند. از جمله می‌گفتند: "می‌گویند جنگ، جنگ تا پیروزی، خودشان دهها پناهگاه دارند، هیچ به فکر مردم نیستند، آخر زن و بچه مردم چه گناهی کرده‌اند." در بسیاری از اماکن عمومی از جمله در اتوبوس‌ها، صحبت مردم حول این مساله بود که خمینی دارد به مردم عیدی می‌دهد، اینها عدا این کار را کرده‌اند.

در تاریخ ۲۴ اسفند، ساعت یک بعد از ظهر، وقتی از رادیو اعلام شد که مردم به پناهگاه بروند، در منطقه غرب تهران، ما شاهد بودیم که مردم بروی پشت‌بام خانه‌ها می‌رفتند تا هواپیماهای عراقی را ببینند. یکی از افراد زحمتکش که بر روی بام بود، می‌گفت: "به ما می‌گویند برویم به پناهگاه، ما کجا پناهگاه داریم، بر روی پشت بام آمده‌ام تا همه ببینند که ما پناهگاهی در این مملکت نداریم."



در بسیاری از کوچه‌ها، کودکان گریه می‌کردند و مادران به همه مقامات فحش می‌دادند که خدا اینها را ذلیل کند، این بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند! زنی در اتوبوس می‌گفت: "هواپیماهای صدام بیایند کارمان را یکسر کنند. از این وضع نکبت بار خسته شده‌ایم!" و کارگری می‌گفت: "جنگ جهانی دوم با آن همه وسعتش ۵ سال طول کشید. اینها ول کن نیستند."

شبها وقتی به مردم اخطار می‌شود که برق‌ها را خاموش کنند، کسی توجه نمی‌کند. بطور مشخص

ماموران کلانتری در محله‌های اطراف میدان راه آهن به خیابان ریخته بودند و به زور از مردم می‌خواستند که برق را خاموش کنند. در میان این همه ترس و دلهره، آژیر آمبولانس‌ها یک لحظه در خیابانهای آزادی و انقلاب قطع نمی‌شود چونکه انبوه زخمی‌ها را با هواپیما از جبهه می‌آورند.

* "... همه مردم تهران مثل بقیه جاهای دیگر می‌گویند که خمینی، عید ما را عزاکرده است. جنگ خیلی حاد شده است. همه از ضرورت صلح حرف می‌زنند. بر اثر بمبارانهای هوایی در تهران، طوری شده است که مردم سعی می‌کنند تا ساعت ۴ یا ۵ کارهایشان را انجام دهند. زیرا اگر غروب بشود، بر اثر حملات پیاپی هوایی برق‌ها خاموش می‌شود و به خاطر خاموشی در تهران از تردد هر گونه وسایل نقلیه جلوگیری می‌کنند..."

* "... داریم به استقبال نوروز می‌رویم. انبوهی از مشکلات و مسائل پشت مردم را خیم کرده است. در این وانفسا سرما هم امان همه را بریده، آنهم در شرایط کمبود شدید نفت و مواد سوختنی، همه دنبال نفت و گازوئیل می‌گردند. پیروزی سه بار در خانه ما را مسایدها زدند تا از ما نفت قرض کنند. بچه‌هایشان سرما خورده بودند و بر اثر پروت هوا و سردی خانه، حالشان بدتر می‌شد. در یکی از خانه‌ها تمام افراد خانواده از ریز و درشت که ۹-۸ نفر می‌شدند، جمع شده بودند داخل یک اتاق تا بلکه خودشان را گرم بکنند. یکی از آشنایان که کارمند است از توزیع کننده نفت مجلسان، یک گالن ۲۰ لیتری را به ۵۰ تومان خرید."

اما سرما که مساله‌ای نیست. اصل قضیه جنگ است که مردم را ذله کرده است، آنهم این روزها که هر دو طرف زده‌اند به سیم آخر.

نارضایتی و خشم مردم، همه جادیده می‌شود. بسیاری اشخاص پس از سلام و علیک حتما کلام دوم شان فحش و ناسزا به حکومت است. امروز در سلمانی محله مان بحث داغی بر سر مساله جنگ جریان داشت. همه می‌گفتند آنهایی که می‌گویند جنگ، جنگ تا پیروزی، خودشان بروند زیر بمب تا معنی جنگ را بفهمند، آنها تا همه جا را قبرستان نکنند دست بر نمی‌دارند.

توی خیابان جلوی کیوسک روزنامه فروشی داشتم به تیتراهای کیهان و اطلاعات نگاه می‌کردم. رهگذری از من پرسید: چی نوشته؟ امروز چند جارو زدن؟ به او گفتم از ۲۰ تا شهری که گفته بودند ۱۶ شهر

نامه یک فدائی جوان به کمیته مرکزی سازمان

شب بسی یاره به ره می‌پوید
شب عبث کینه به دل می‌جوید
روزی آید
آنچه باید روید، می‌روید

(نیمه)

رفقا! به مناسبت فرارسیدن نوروز صمیمانه‌ترین درودهایم را بپذیرید. بهترین آرزوی من و همه جوانان فدائی همچون تمام مردم ایران برقراری صلح و آزادی است.

را تا حالا زده‌اند. فحشی نثار حکومت کرد و گفت مردم این شهرها چه گناهی داشته‌اند...

خلاصه اوضاع اینطوری است. همه جاعزاداری است، همه جا غم و اندوه است. سرکچه‌ها امروز تا حمله تازه گذاشته بودند. به همه این بدبختی‌ها باید گرانی و بی‌پولی را هم اضافه کرد.

دیروز ۵۰۰ تومان گذاشتم جیم بروم برای عید سروساخی به‌خرم. به قنادی که رفتم سرم سوت کشید: تخمه کدو کیلویی ۲۲۰ تومان - تخمه ژاپنی ۱۴۰ تومان - فندق ۹۰ تومان - پسته ۲۵۰ تومان. حالا میوه و شیرینی به کنار. وقتی که سبب زمینی کیلویی ۲۵ تومان باشد، حساب بقیه اجناس با کرام الکاتبین است..."

* "... اینروزها به راحتی می‌توان برخورد مردم را نسبت به جنگ و رژیم مورد مطالعه و قضاوت قرار داد. مردم خیلی راحت نفرت خود را به شکلهای مختلف ابراز می‌دارند. مشاهدات زیر این موضوع را نشان می‌دهد:

- در یکی از محلات به دنبال بمباران هوایی یک نفر بریده بود وسط جمعیت و شعار جنگ جنگ تا پیروزی سرداده بود. مردم ریختند سرش و تا آنجایی که می‌خورد کتکش زدند.

- در میدان توپخانه سوار اتوبوس شدم. راننده که از موضوعی ناراحت بود زبان به شکوه و شکایت گشود. ابتدا از اینجاشروع کرد که امسال به ما عیدی ندادند. حالا عیدی هیچی به جای ۲۰ روز حقوق فقط ۲۸ روز حقوق به ما دادند. مرخصی‌های سالانه ما را هم لغو کردند. همه روزهای عید کار کردیم.

خانمی که در صندلی جلو نشسته بود با صدای بلند به او گفت عیدی می‌خواهید چکار؟ امسال که همه عیدیمان را گرفتیم. این همه بمب و جنازه و خرابی عیدی‌شان بود.

پس از آن در اتوبوس همه به اظهار نظر پرداختند. یک نفر نبود که از جنگ پشتیبانی کند. یک مقدار که مردم باهم اخت شدند، من فکر می‌کردم فقط این باقی مانده است که دسته جمعی پیاده شده و دست به تظاهرات بزنیم.

- نمونه‌ای دیگر: در اتوبوس یک جوان شروع کرد بلند بلند صحبت کردن که این جنگ، جزویرانی و کشتار شری نداشته است. ناگهان یک نفر بلند شد و به راننده گفت: "نگه‌دار! من پاسدارم و می‌خواهم این آقا را به کمیته ببرم. جوان ابتدا ایکه خورد و بعد از او کارت شناسایی خواست. پاسدار کارتش را نشان داد. جوان روبه مردم کرد و گفت مگر من حرف بدی زدم، کجای حرفهای من بی‌ربط بود. ابتدا یک پیرمرد به دفاع از او برخاست و بعد بقیه مسافران یک به یک به اعتراض برخاستند و پشت جوان را گرفتند. همه‌ای شده بود. پاسدار در محضه گیر کرد. در اولین ایستگاه جوان پرید پائین و به سرعت از محل دور شد. پاسدار جرات نکرد او را تعقیب کند. می‌دانست که مردم نخواهند گذاشت او آن جوان را دستگیر نماید. همه به رفتار آن پاسدار پوزخند می‌زدند."

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!



پایداری کردند. صدای ناقوس مرگ رژیم شاه بر بام میهن آرام آرام به صدا در می آمد و دم به دم تند می گرفت تا سرانجام برج و باروی زندانها و کاخهای شاه جبار درهم فرو ریخت و شط زندانیان سیاسی روانه اقیانوس مردم گردید.

چندان نگذشت که طرح ناکام شاه و نصیری را جلالدان خونریز تازه ای دنبال کردند. آن زندانیانی که از زندان شاه رها می یافته بودند، این بار یک بیک بدست جلالدان رژیم جمهوری اسلامی اسیر شدند و یکبار دیگر در همان سلولهای پیشین به بند کشیده شدند و در همان میدانهای تیر به جوخه اعدام سپرده شدند. یکی از آخرین نمونه های آن فدائی خلق قربانعلی مودنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان ماست که زندانی سرشناس زندانهای شاه بود.

مرتجعین هیچگاه نمی توانند از تاریخ درس بگیرند. تبهکاران در قدرت نشسته کنونی نیز به همان راهی می روند که شاه رفته بود. آنان نیز با این گمان که با کشتار و ایجاد رعب بتوانند بر مبارزات دم افزون خلق خلی وارد کنند، دستان خود را تا مرقع به خون پاک ترین فرزندان مردم آغشته کرده اند. آنان را نیز نوای ناقوس عذاب می دهد که بر بلندای بام میهن مابه صدا در آمده است.

جوی خونی که از آن سالیهای دور از درهم آمیختن خون فدائی، توده ای، مجاهد پدید آمده است، هنوز هم جاری است.

اینک جلالدان نه به

نام شاه که به نام خمینی

ماشه های مسلسل

رامیغشند و رهروان

همان راهی را به خاک

و خون می غطانند که بیژن

از پیشگامان آن بود.

تاریخ معاصر میهن

مایکبار این حکم را

اثبات کرد که نصیب

ارتجاع علیرغم همه

سببیت جز مرگ محتوم

نخواهد بود. اثبات

دوباره آن نیز بر

دیر نخواهد بود. اتحاد

عمل آن کسانی که

سینه هایشان با عشق به

مردم می تپد و آماج

تیرهای کین جلالدان

خمینی است، این زمان

را هر چه کوتاهتر خواهد

کرده

بزرائی بر جای نهاد. حاصل جمع بست مدام تجارب حاصله از جنبش توسط او که سرعت به بیرون راه می یافت، به سازمان ما این امکان را داد که توانائی خود را در ایفای وظایف انقلابی افزایش باز هم بیشتری بدهد. برآستی نقش بیژن در ارتقای سازمان مادر آن هنگام بی بدیل بود.

هنگامیکه رژیم شاه در سال ۵۲ کوشید با تشدید بازهم لگام کسیخته تر اختناق بر موج فزاینده مخالفت غلبه نماید که سرمه بندی حزب رستاخیز جلوه ای از آن بود، ایذا و آزار زندانیان سیاسی چنان شد که پیش از آن مرکز نبود. زندانیان سیاسی را بهر حمانه مورد ضرب و شتم قرار می دادند و از هر گونه امکانی محروم ساخته بودند. رژیم ضد مردمی و مغفور شاه در هراس از فروپاشی قریب الوقوع بساط خود، می خواست خلق و پیشگامان راه مردم را مرعوب نماید.

در همین راستا طرح کشتار زندانیان را طراحی کردند، تا ضمن ایجاد رعب، جنبش در حال پیشرفت را از کادرهای برجسته محروم سازند. در راس این کادرها بیژن و هرمز مانش جای داشتند. به این ترتیب این جنایت هولناک تحقق پذیرفت و درسی فروردین هفت فدائی خلق و دو مجاهد خلق در تپه های اوین به رگبار مسلسل های آمریکائی بسته شدند. چند ماه پیش از آن نیز یکی دیگر از زندانیان سیاسی پر سابقه، پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را در زندان کمیته زیر شکنجه به شهادت رسانده بودند.

واکنش این گونه اقدامات ردیبلان در میان مردم و در سراسر جهان چنان شد که کار ادامه این توطئه سبانه و کشتار جمعی دیگر زندانیان را دشوار ساخت. تاثیر آن بر زندان، خلاف انتظار رژیم بود. زندانیان سیاسی به مثابه فرزندان صدیق خلق نفرت خود را علیه رژیم ددمنش شاه، جلا دادند و دلیرانه

با فرا رسیدن سی ام فروردین ماه ده سال از شهادت نه انقلابی برجسته که هفت تن از آنان از بنیانگذاران سازمان ما و دو نفر از رهبران سازمان مجاهدین خلق بودند، می گذرد. در چنین روزی در سال ۵۴ جلالدان رژیم آمریکائی شاه رفقا بیژن جزئی، حسن ضیا ظریفی، محمد چوپانزاده، سعید مشعوف کلانتری، عزیز سمدی، احمد جلیل افشار و عباس سورکی و مجاهدین خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل را در حالی که مدت محکومیت زندان خود را می گذراندند در اوین به قتل رساندند و جنایت هولناک دیگری را بر کارنامه سیاه حکومت ننگین پهلوی رقم زدند.

رفیق بیژن و فدائیان همراهش قریب به ۸ سال بود که زندانی بودند. آنها که از بنیانگذاران و اعضا اولیه سازمان ما بودند در سال ۴۶ دستگیر شده بودند و هر یک از آنها از برجستگان جنبش انقلابی میهن مابه حساب می آمدند. در تمام سالیهای طولانی اسارت تحت شکنجه های مدام جسمی و یاروانی قرار داشتند. سالیهای زیادی را به صورت تبعیدی در زندانهای شهرستانهای دور افتاده بسر می بردند. هر بار نیز به بهانه ای آنان را به سلولهای قزل قلعه و ویا اوین کشانده و تحت شکنجه قرار می دادند.

رفیق جزئی را پس از عملیات سیاهکل از زندان قم به تهران منتقل ساختند. ساواک بر نقش خلق او در هدایت سازمان از زندان، واقف شده و شیدا و خشمگین بود. از همان زمان قصد جاننش را کرده بودند. بیش از یک سال در سلولهای زندانهای اوین، قزل قلعه، عشرت آباد و فلکه شهر بائی تحت بازجویی و مراقبت شدید قرار داشت. اما با وجود این او از همان سلولها نیز ارتباط خود را با دیگر زندانیان و با جنبش برقرار نگه می داشت. او بالاخره در سال ۵۱ به زندان قصر منتقل شد. ولی در

همان بدو ورود با زمدتی

او را در سلولهای این

زندان به بند کشیدند.

در آنجا بار دیگر پرویز

ثابتی جنایتکار مخوف

ساواک به دیدارش آمد

و هشدار داد که هرگاه

حرکات انقلابی

همچنان تداوم یابد کشته

خواهد شد. پوزخند این

رفیق پاسخ شایسته به این

جلا داد بود.

با ورود به زندان

شماره سه قصر نقش

سازمانگزاره و هدایتگر

او آغاز شد. لحظه ای از

کار باز نمی ایستاد.

کوششهای او در حفظ

و تحکیم یکپارچگی میان

زندانهای

وابستگی ایدئولوژیک

متفاوتی داشتند، تاثیر

تازه ترین ددمنشی رژیم در زندان اوین

بنا به خبر واصله از تهران، در هفته گذشته دسته انبوهی از جلالدان رژیم تبهکار خمینی در اوین به بندهای این زندان پیورش برده و زندانیان را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. این اقدام چنان سبانه بود که حتی در زمان لاجوردی خون آشام نیز نظیر آن کمتر رخ داده بود. در نتیجه این اوباشگری، تعداد کثیری از زندانیان سیاسی شیدا مجروح و مضروب گردیدند. مجروحین را بدون هیچ گونه امکانات درمانی در بندها و سلولها رها کرده اند.

اکنون در زندان حالت فوق العاده ای حکم فرماست. مقامات زندان اعلام داشته اند که از این پس این حرکات مداوم تکرار خواهد شد. علاوه بر این اخباری دال بر قریب الوقوع بودن تیرباران دسته جمعی گروهی از زندانیان شایع شده است. آمد و رفت های مقامات و افراد تازه، آماده باش زندانبانان و دیگر شواهد نشان می دهد که جان زندانیان سیاسی بشدت در معرض تهدید است و رژیم خود را برای جنایات هولناکتری آماده می کند.

گفته می شود جلالدان را کسترش دم افزون پایداری زندانیان چنین خشمگین کرده است. آنها در صددند، حتی لحظه ای هم از آزار زندانیان سیاسی دست برندارند و با دست زدن به حرکات هستی ریک و جنون آسای مداوم روحیه آنان را درهم بشکنند. در واکنش به این رذالت های رژیم جمهوری اسلامی و به منظور نجات جان زندانیان، خانواده هایشان حرکات اعتراضی جمعی تازه ای را آغاز کرده اند.

مصاحبه "اکثریت" با رفیق تیسیر

عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین

بیستم فروردین ماه سالروز کشتار مردم بیدفاع دهکده فلسطین دیرباسبین توسط صهیونیستهاست که در سال ۱۹۴۸ صورت گرفت. دیرباسبین شامدی بر جنایات و ددمنشی‌های صهیونیستها در منطقه است که از آن پس تا به امروز ادامه یافته است. اینک در جنوب لبنان هر روزه مردم روستاها و شهرها به مانند مردم دیرباسبین قتل عام می‌شوند. در ۲۷ سال گذشته رژیم اسرائیل دیرباسبین‌های بسیاری آفریده است.

نیروهای مردمی و میهن پرست فلسطین و لبنان نیز در همه این سالها لحظه‌ای از مقاومت و پایداری دست نکشیده اند. آنها برخودار از پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه بشریت ترقیخواه سرخخانه در برابر رژیم اسرائیل ایستادگی کرده اند. دولت صهیونیستی اسرائیل که در پیشبرد طرحهای توسعه طلبانه، مداخله جویانه و تجاوزکارانه خود از تشویق و حمایت همه جانبه دول امپریالیستی و بویژه امپریالیستهای آمریکائی بهره‌مند است، با اینکه همه توان خود را برای درهم شکستن مقاومت برخی مردم لبنان و فلسطین بکار گرفته اما نتوانسته بر اراده رزمجویانه آنان غلبه کند. اگرچه آن جنایات فجیع و بی‌مانند و آن توطئه‌های ردیبلانه هر از گاهی آسیب‌هایی بر مقاومت فلسطین وارد کرده اما پرچم مقاومت مردم فلسطین همچنان برافراشته مانده است. در برابر ترلز، ماساها و سازشکاری‌های نیروها و عناصر راست، مردم فلسطین راهی را دنبال می‌کنند که نیروهای انقلابی ترسیم کرده اند.

در شماره ۵۰، مصاحبه اکثریت با رفیق علی‌العبه عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان را خوانده‌اید. در این شماره مصاحبه اکثریت با رفیق تیسیر عضو دفتر سیاسی و مسئول روابط سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین را از نظراتان می‌گذرانیم. رفیق تیسیر در این مصاحبه مسائل کنونی فلسطین و سوابق آن را برای خوانندگان اکثریت تشریح نمود و مضمون تحولات اخیر را توضیح داد.

س: زمینه‌های تجاوز اسرائیل به خاک لبنان چگونه فراهم شد، اوضاع سیاسی امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: انقلاب فلسطین در لبنان نقش بسیار اساسی بعد گرفته. همچنانکه میدانید چیزی که آمریکا برای منطقه طراحی کرده بود و سال‌ها در پی اجرای آن بود، متأسفانه به میزان وسیعی تحقق پیدا کرده است. بویژه با خارج کردن مصر از جبهه نیروهای مقاومت عرب و پایه امضای قرارداد کمپ دیوید. پس از ضربات متعدد بر پیکر جنبش آزادی بخش عرب و انقلاب فلسطین، امروز وضعی پیش آمده که بجز جنبش فلسطین و لبنان که با پشتیبانی دولت سوریه و حمایت سایر حرکات آزادی بخش جهان عرب، می‌رزمند، کس دیگری در منطقه در مقابل طرحهای آمریکایی یارای ایستادگی ندارد.

انقلاب فلسطین و حرکت آزادی بخش لبنان نقش بسیار بزرگی در جلوگیری از پیشرفت اوضاع به نفع آمریکا در منطقه بازی کردند، بویژه هنگامی که بعضی از کشورهای مرتجع عرب به پشتیبانی از طرح‌های آمریکا با یک پوشش عربی پرداختند و کمک‌های جدی در راه اجرای این طرح‌ها نمودند. پیشنهاد پادشاه سعودی در کنفرانس فاس در مغرب را به خاطر داریم که خوشبختانه در نتیجه پایداری ملی کشورهای عربی مترقی توانستیم آن را بایکوت نماییم. به این ترتیب برای واشنگتن و تل‌آویو ضروری شده بود که جهت کاهش مشکلات و تسریع اجرای طرح‌های موجود گام جدی به پیش برداشته شود. آنها لازم می‌دیدند که ضربه محکم و شکننده‌ای بر پیکر سازمان آزادی بخش فلسطین "ساف" وارد آورند. سازمانی که جز مهمی از نیروهای پیشرو حرکت آزادی بخش عرب است. سازمانی که در راه حقوق حقه مردم فلسطین می‌رزد و مدافع نماینده مقاومت ملی مردم فلسطین است. آمریکا و

صهیونیستها سالها است سعی می‌کنند مسئله فلسطین تنها در حد مسئله آوارگان و پناهندگان در خاورمیانه مطرح باشد و سازمان آزادی بخش فلسطین نابود گردد. این چیز جدیدی نیست، لیکن پیش برد این امور از طریق یک جوتسلیم طلبانه در منطقه مسئله محلی است. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی طی این مدت با مشکلات جدی سیاسی و اقتصادی در داخل روبرو گردید که منجر به سقوط دولت لیکود شد. آنها به آغاز جنگ بعنوان وسیله‌ای جهت رهایی، موقت از مشکلات داخلی نیز نیاز داشتند و احساس می‌کردند که از این طریق می‌توانند مبارزه انتخاباتی را به نفع خویش پایان دهند.

در زمینه بین‌المللی در آن مرحله ما شاهد گسترش سیاست تشنج آفرینی از طرف آمریکا و گسترش شوری ستیزی بودیم. آمریکا برای تبدیل منطقه خاورمیانه به بلوک مبارزه علیه اتحاد شوروی، از طریق جمع‌آوری کشورهای مرتجع و اسرائیل در یک پیمان، سعی داشت به هر قیمتی شده بر منطقه مسلط شود.

بر این بستر بود که حکومت دشمن با هدف سرکوب "ساف" و جنبش لبنان و به زانو درآوردن سوریه و با آرزوی تأمین خواستهای توسعه طلبانه دیرینه خود بخصوص در جنوب لبنان، لشکرکشی وحشیانه به خاک لبنان را آغاز کرد.

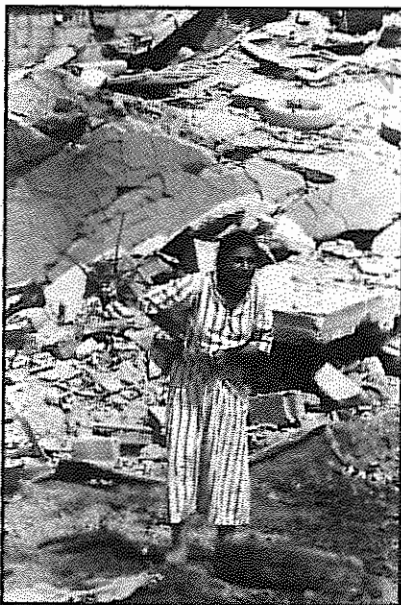
س: جنبش آزادی بخش فلسطین و نیروهای مقاومت ملی لبنان علیه نیروهای تجاوزگر، قهرمانانه رزمیدند و بویژه در دوره محاصره بیروت مقاومت دلیرانه‌ای از خود نشان دادند. ارزیابی شما از این دوره و از آنچه که در بیروت گذشت چیست؟

ج: قوای انقلاب فلسطین و نیروهای دموکراتیک لبنان با یک پایداری بی‌نظیر با قوای اسرائیل مقابله کردند. برای اولین بار خود توده‌های عرب،

رودرو با نیروهای صهیونیست قرار گرفتند. این جنگ از این نظر تنها جنگی است که می‌توان به تمام معنی آن را یک مقاومت مسلحانه مردمی نامید. و بلوانی‌ترین جنگ با دشمن صهیونیست نیز محسوب می‌شود. در این جنگ دشمن بیش از تمام جنگهای اعراب با اسرائیل متحمل خسارت شد. این وضع در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در داخل رژیم صهیونیستی نیز تاثیر گذاشت. درست است که دشمن توانست نیروهای فلسطینی را از غرب بقاع و جنوب لبنان و بیروت خارج کند و لیکن نتوانست روحیه مقاومت را درهم شکند و "ساف" را به عقب نشینی‌های سیاسی وادارد. عقب نشینی نیروهای ما از این مناطق بعد از یک مقاومت شرافتمندانه که بیش از ۸۸ روز ادامه یافت، صورت گرفت، آنهم یک عقب نشینی زیر پرچم "ساف" همراه با تمام تسلیحات و بانفازت سازمان ملل.

موضع غیر انقلابی بخش بزرگی از کشورهای منطقه طی سالهای اخیر دلیل جدی برای این پیروزی‌های موقت دشمن محسوب می‌شود. ما سه ماه رودرو با دشمن جنگیدیم و کشورهای مرتجع عرب هیچ اقدامی به نفع ما و علیه دشمن بعمل نیاروندند. به این ترتیب بار سنگینی بر دوش جنبش آزادی بخش فلسطین وارد آمد و هم چنین بر دوش نیروی ملی و دموکراتیک لبنان و سوریه.

صهیونیستها متوجه شدند که ضربه زدن به نیروهای "ساف" در لبنان نه تنها باعث از بین رفتن آن نشد بلکه نتیجه دیگری حاصل شد. مردم جنبش مستمر خود را در زمینهای اشغالی و زیر پرچم "ساف" تقویت کردند و قوای انقلاب فلسطین به اعتبار



صحنه‌ای از آثار جنایات صهیونیستها و همدستانشان در اردوگاه شتیلا

مقاومت دلیرانه مردم دوباره انسجام خود را بازیافتند. ما در ۱۹۸۲ موفق شدیم شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین را برپا کنیم و به جهانیان نشان دهیم که "ساف" همچنان زنده است و هم‌چون گذشته به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین باقی مانده است. بدین گونه بود که اسرائیل در هدف مقدم خود یعنی از بین بردن "ساف" ناکام ماند.

رهبری راست‌ترا به این نتیجه رسید که باید اوضاع داخلی "ساف" را به نفع خود سازمان دهد. لذا عرفات به تصفیه نیروهای انقلابی دست زد. طبق ۵۱ فرمان نظامی صادره از جانب عرفات، نیروهای دموکراتیک از رهبری سازمان الفتح اخراج شدند و به ویژه در قوای مسلح سعی کردند امور را از دست عناصر انقلابی خارج سازند. علیه آنها تبلیغات سو نمودند تا سابق انقلابی‌شان را مخدوش سازند. یکی از این افراد انقلابی داخل الفتح، ابوموسی بود. این روند منجر به بروز یک جنبش اعتراضی در داخل الفتح شد. این جنبش در ابتدا شعارها و خواسته‌های اصلاح طلبانه تشکیلاتی و سیاسی مطرح میکرد، که تقریباً همگی بر حق بودند. به همین دلیل از همان ابتدا مورد تأیید ما واقع شد. لیکن آنها به اسلحه و کودتا و روشهای چپ‌روانه روی آوردند و این باعث شد که اهداف آنها به درستی متحقق نشود. حتی بر خلاف آن بر مشکلات درونی "ساف" افزوده شد. نتیجه بعدی آن جنگ برادر کشی در طرابلس و گسترش شکاف در میان صف فلسطینیان و باز شدن زمینه دخالت‌های خارجی در امور داخلی فلسطینیان گردید. این امر حتی منجر به خروج بخشی از نیروهای فلسطینی از لبنان شد و خون بسیاری از جوانان فلسطینی در این درگیری‌ها به هدر رفت.

ما بعنوان اتحاد دموکراتیک، شامل سازمانهای

مضمون و هدف پذیرش صهیونیسم توسط اعراب و حل مسئله فلسطین خارج از چهارچوب خواسته‌های ملت فلسطین بود. این طرح با برنامه "ساف" مبنی بر بازگشت به میهن اشغال شده و داشتن حق تعیین سرنوشت و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، کاملاً در تضاد بود. حمله سیاسی گسترده به "ساف" و تهاجم ارتجاع به مواضع سیاسی آن و اعمال فشار همه جانبه به رهبری "ساف"، محافل معین ذی‌نفوذ در رهبری "ساف" را به نرمش واداشت. آنها حاضر شدند بر اساس این طرح‌ها به معامله بنشینند. و این نکته بسیار خطرناکی بود. آنها گمان کردند که مبارزه به بن بست رسیده و راهی جز پذیرش راه حلهای سازشکارانه ندارند. این برخورد بانرمش در مقابل طرح ریکیان و همچنین چشمک زدن به طرح ملک حسین که با عبارت "سیاست آری ونه" مشهور شده است به اوج خود رسید.

چنین شد که سیاست راست در رهبری "ساف" قدرت گرفت. نشست با بعضی محافل صهیونیست و همکاری با رژیم مصر، به چشم پوشی کامل از تمام اهداف "ساف" و زیر پا گذاشتن آن منجر شد که به بروز بحران در تشکیلات "ساف" انجامید. رهبری راست به مخالفت با اصلاحات دموکراتیک در "ساف" پرداخت و روش ایجاد تشنج بین نیروهای دموکراتیک ملی و بعضی کشورهای ملی عرب از آن جمله سوریه را پیشه کرد.

در مورد سوریه نیز نه تنها دشمن نتوانست یک عقب‌نشینی سیاسی تحمیل نماید، بلکه در حقیقت درست عکس آن پیش آمد. سوریه از نظر نظامی مواضع خود را تحکیم کرد و مواضع سیاسی آن بر ضد ارتجاع مغلقه و بر ضد قرارداد کمپ دیوید تقویت شد. دشمن تنها یک پیروزی موقتی بدست آورد و آن برهم زدن توازن قوا در لبنان و گسترش تسلط فلائرها بود. حوادث دو سال اخیر این وضع را نیز تغییر داده است. نیروهای ملی و فلسطینی در لبنان دوباره قدرت می‌گیرند. و اموری پیش از پیش از چنگ فلائرها خارج می‌شود.

س: نظرتان در مورد ورود تجاوزکارانه نیروهای ناتو در لبنان و خروج مفتضحانه آنان از بیروت چیست؟

ج: نیروهای انقلابی طبق قرارداد معینی از بیروت خارج شدند. در این قرار داد مسئله امنیت آوارگان فلسطین و عدم حمله به اردوگاه‌های مسکونی فلسطینی‌ها و همچنین فراهم آوردن امکان خروج نیروهای انقلابی و تأمین امنیت آنها به توافق برقرین رسیده بود. قرار بر این شد که یک قوای چند ملیتی بر این امر نظارت کند و امر حفاظت از اردوگاههای فلسطینی را بعهده گیرد. اما قوای چند ملیتی و آمریکائی به وعده خود وفا نکردند. آنها مانع حمله وحشیانه فلائرها به اردوگاهها شدند و تنها یک ماه بعد قوای مشترک چند ملیتی از حفاظت اردوگاهها دست کشیدند و آنها را بی‌دفاع در مقابل صهیونیستها و فلائرها رها کردند. از کشته شدن بشیر جمیل نیز بعنوان بهانه‌ای برای کشتار نیروهای ملی استفاده شد و سعی کردند حتی نیروهای غیر مسلح فلسطینی را نیز نابود سازند. در پی آن قوای صهیونیست وارد بیروت غربی شد و دست در دست فلائرها کشتار وحشیانه ضد انسانی صبرا و شتیلا را مرتکب شدند. لیکن ماندن اسرائیل در بیروت غیر ممکن بود. مقاومت نیروهای ملی دوباره اوج گرفت و آنها را وادار به خروج از بیروت کرد. قوای چند ملیتی علیرغم مشارکتش در کشتار صبرا و شتیلا، دوباره جایگزین نیروهای اسرائیلی شد. آنها در توافق با فلائرها لبنان و باچهره‌ای عربیان باهدف تبدیل لبنان به پایگاه امپریالیسم، ایجاد پایگاههای نظامی اسرائیلی در آنجا که می‌بایست در خدمت ناتو قرار می‌گرفتند و به سکوی پرتاب علیه اتحاد شوروی تبدیل می‌شد، وارد بیروت شدند. لیکن قوای مشترک این بار تلفات سنگینی متحمل شد. پایگاه آمریکا و فرانسه با خاک یکسان گردید و هیچکدام از آنها قادر به حفاظت خود در لبنان نشدند. برای آنها راهی جز ترک لبنان باقی نمانده بود.

س: پس از خروج "ساف" از بیروت چه مشکلات جدیدی پیش آمد؟ برای حل معضلات کنونی چه اندیشه‌ای دارید؟

ج: از آن روز اولی که نفرات مقاومت فلسطین از بیروت خارج شدند، حرکت ارتجاع برای شکستن موضع سیاسی ساف آغاز گشت. ریگان طرح رسوای خود را با بوق و کرنا اعلام کرد. کنفرانس فاس بلافاصله تشکیل شد و امیر فهد طرح خود را ارائه داد. پس از چند ماه ملک حسین نیز طرحی ارائه کرد که منظور آن تشکیل کنفدراسیون مشترک اردن - فلسطین بود که با



بیروت پس از تجاوز صهیونیست‌ها

جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه آزادی بخش فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین، مستمرا تلاش می‌کنیم که وحدت درونی "ساف" حفظ شود. و اصلاحات دموکراتیک و رادیکال در آن صورت گیرد. ما مذاکره را بعنوان تنها راه حل مشکلات درونی "ساف" می‌شناسیم.

همچنانکه میدانید هم اکنون دو گروه بندی دیگر نیز در داخل "ساف" وجود دارد.

۱ - کمیته مرکزی سازمان الفتح و کسانی که از آن پشتیبانی می‌کنند و آن محوری است که مسئولیت گرایش به راست و مسئولیت اساسی انحراف انقلاب فلسطین را مستقیماً بعهده دارد.

۲ - اتحاد ملی که شامل جنبش درونی الفتح، جبهه خلق (رهبری عمومی)، جبهه نبرد فلسطین، جبهه آزادی بقیه در صفحه ۱۳

این سیاست یک سال پس از خروج از بیروت با مقاومت جدی و کامل روبرو شد. نیروهای مترقی توانستند زیر بنای مواضع ملی فلسطین و مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین را حفظ کنند و "ساف" را از خطر انشعاب رهایی بخشند. ولی رهبری راست که در "ساف" رخنه کرده به این مصوبات پایبند نماند. روابط خود را با مصر واردن گسترش داد و مذاکرات اردنی - فلسطینی آغاز گشت. با سرعفات طرح اردن را تأیید کرد و مصوبات سازمان ملل که "ساف" را تنها نماینده قانونی خلق فلسطین می‌شناسد را زیر پا گذاشت. او این نمایندگی را به پادشاه اردن واگذار کرد. اما مقاومت نیروی ملی و دموکراتیک داخل سازمان الفتح و اعتراض گسترده دیگر سازمانهای فلسطینی، اجازه امضای این قرارداد را به عرفات نداد و مذاکرات را متوقف کرد.

آنها که می خواستند کمونیسم را ریشه کن سازند...

در پیشوا از هشت ماه چهلین سالروز پیروزی بر فاشیسم، انتشار سلسله مقالاتی را آغاز کرده ایم. در شماره گذشته مقاله "بوخنوالد: حماسه پایداری و همبستگی" را درج کردیم و در این شماره مقاله زیر را که نوشته ای از "لوبسیمسکی" دانشمند شوروی است منتشر می کنیم. در این نوشته مشاهده می کنید که چگونه برخی از محافل حاکمه ایالات متحده و فاشیستهای آلمانی در همان سالها می کوشیدند بر محور شوروی ستیزی به اتحاد عمل دست یابند. اما به حکم تاریخ نه فقط هیتلر بلکه همه آنهاست که خواب نابودی سوسیالیسم را می دیدند، به جای خود نشانده شدند.

چندی پیش، توجه مورخین به یک سند تاریخی جلب شد که یک محقق آلمانی در آرشیو دانشگاه بیل آمریکا پیدا کرد. این سند، به قلم ترومن اسمیت، افسر نیروی دریایی آمریکا است که در پانزدهم نوامبر ۱۹۲۲ بعنوان دستیار وابسته نظامی سفارت آمریکا در آلمان وارد مونیخ شده و در تاریخ بیستم نوامبر با آدولف هیتلر که در آن زمان یک سرخوخته سابق بیشتر نبود، ملاقات نمود. پس از این ملاقات، افسر آمریکایی تلگرافی به واشنگتن فرستاده و در آن نوشت: جنبش نوین سیاسی در آلمان، یعنی فاشیسم، هدف مبارزه با مارکسیسم را فراروی خود قرار داده و به این منظور می خواهد دموکراسی پارلمانی را از میان بردارد. هیتلر در این ملاقات به اسنیت گفته بود: برای آمریکا و انگلیس بهتر آن است که نبرد تعیین کننده میان "تمدن" غربی و مارکسیسم در خاک آلمان، و نه در آمریکا و انگلیس، درگیرد. رهبر فاشیستهای آلمان همچنین افزوده بود اگر آمریکا به "ناسیونالیسم" آلمان کمک نکند، بلشویسم آلمان را تسخیر خواهد کرد.

سند فوق، برای درک بهتر ماهیت تجاوز فاشیسم هیتلری از اهمیت اساسی برخوردار است. تاریخچه به قدرت رسیدن و لشکرکشی هیتلر علیه اتحاد شوروی و سایر خلقها در عین حال هم پیچیده هم ساده است. پیچیده است، از آن رو که از ترکیب متناقض منافع گروه بندیهای گوناگون جامعه سرمایه داری در دهه بیست و سی ده حاضر میلادی ریشه گرفت. ساده است، چرا که در تمام طول آن یک خط کلی دیده می شود: نفرت عمیق طبقاتی حکومتهای استثمارگر جهان از طبقه کارگر و پیشاهنگ آن از انتشار مانیفست کمونیستی به بعد، نفرتی بنام کمونیست ستیزی.

حزب هیتلر "ریشه ای" ترین راه حل معضل اصلی بورژوازی معاصر را پیشنهاد می کرد: نابودی فیزیکی کمونیستها، یعنی همه پیروان سوسیالیسم علمی، و همه کسانی که نخستین دولت مبتنی بر این جهان بینی را بر پا کرده بودند. "ناسیونال سوسیالیسم" هیتلر بدینگونه شروع به رشد نمود. بی شک ادامه توسعه طلبی امپریالیسم آلمان که در جنگ جهانی اول شکست خورده بود، زمینه اعتلای

فاشیسم در این کشور بود. اما نباید از نظر دور داشت که اجرای این سیاست و تلاش برای احراز سلطه بر جهان بدون حادثه ترین شکل کمونیسم ستیزی امکان پذیر نبود. رژیم هیتلر خود را با مباحثات "دژ"ی علیه کمونیسم می خواند و وعده تحقق شیرین ترین رویای سران دولتهای غرب، یعنی نابودی جنبش کمونیستی در غرب و از آن مهمتر، نابودی نخستین دولت سوسیالیستی جهان را می داد.

برای هیتلر و پیروانش تردیدی وجود نداشت که جنگ آتی علیه اتحاد شوروی یک "جنگ ایدئولوژیک"، "جنگ جهان بینی ها"، جنگ علیه کمونیسم خواهد بود. "پیشوا"ی فاشیستها در سوم فوریه ۱۹۳۹، یعنی ماهها پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، به ژنرالهای خود گفت جنگ آینده جنگی صرفا ایدئولوژیک خواهد بود، و در سوم مارس ۱۹۴۱ اظهار داشت لشکرکشی به اتحاد شوروی چیزی فراتر از یک درگیری مسلحانه، و در حقیقت پیکار میان دو جهان بینی است.

ریگان اولین کسی نیست که پیش بینی می کند "عمر کمونیسم به سر رسیده است". هیتلر در سال ۱۹۲۵ در "نبرد من" نوشت: "امپراتوری بزرگ در شرق در آستانه تلاشی است."

تمام جریان طرح ریزی و انجام عملیات "بارباروسا"، تجاوز به اتحاد شوروی، بر مبنای این نگرش هیتلر صورت گرفت. به واحدهای اس-اس دستور داده شده بود همه کادرهای کمینترن و همه سیاستمداران کمونیست را تیرباران کند. ستاد ارتش فاشیستی (ورماخت) در یکی از بخشنامه های خود نوشت: "بلشویسم دشمن ملت ناسیونال سوسیالیست است. آلمان در پیکار با جهان بینی خرابکاری و حاملین آن می باشد." ژنرالهای هیتلر به صراحت می گفتند نباید به کمونیستها رحم کرد. چه شباهتی میان این گفته ها و اظهارات ریگان سرکرده کنونی امپریالیسم آمریکا وجود دارد که می خواهد کمونیسم را با یک "جنگ صلیبی" از میان بردارد! البته ریگان اولین کسی نیست که پیش بینی می کند "عمر کمونیسم به سر رسیده است". هیتلر در سال ۱۹۲۵ در "نبرد من" نوشت: "امپراتوری بزرگ در شرق در آستانه تلاشی است."

اما رویای هیتلر به تحقق نپیوست، و "رایش سوم" در آتشی که خود افروخته بود نابود شد. تاثیر پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی، بسیار فراتر از یک درگیری نظامی است. این جنگ، نه پیکار ارتش ها، که نبرد نظامهای اجتماعی بود. در حالیه ارتش فاشیستی در عرض چند ماه پس از آغاز یورش به اتحاد شوروی، در جبهه ای بطول هزاران کیلومتر به خاک شوروی رخنه کرده و تانک دیکی مسکو پیشروی نموده بود، مردم شوروی توانستند متجاوزین را به عقب رانده و از آن فراتر، سایر خلقهای اروپا را نیز از یوغ فاشیسم رها ساخته

و غریت نازی را نابود سازند. این حماسه را باید با جنگ هیتلر علیه فرانسه مقایسه کرد. فرانسه قبل از ۱۹۴۰ یکی از سه دولت بزرگ غرب بود و نیروی نظامی بزرگی در اختیار داشت، اما در عرض چند هفته در زیر ضربات فاشیسم هیتلری درهم شکست.

شکست تجاوز هیتلری، شکست نهایی همه جنگ های صلیبی ضد کمونیستی است. این سران غرب بودند که با خصومت عمیقشان با سوسیالیسم، اعتلای فاشیسم هیتلری را امکان پذیر ساختند. بیهوده نیست که هیتلر از ۱۹۲۲، از هنگام ملاقات با افسر آمریکایی که در آغاز بدان اشاره رفت، بدنبال جلب پشتیبانی غرب از نقشه های خود بود. رودلف هس، معاون هیتلر، خطاب به فرستاده خود به انگلیس گفت: "ما را بعنوان دژ علیه بلشویسم، یعنی همان چیزی که در حقیقت نیز هستیم، تصویر کنید. افراد ما در نبرد علیه بلشویسم تنها عامل فعال هستند."

همچنین نباید فراموش کرد که آمریکا و سایر دولتهای غربی قدرت نظامی اتحاد شوروی را بسیار کمتر از آنچه بود تصور میکردند. ستادهای ارتش انگلیس و آمریکا در آغاز تجاوز آلمان هیتلری به اتحاد شوروی پیش بینی کردند که دولت شوروی در عرض چند هفته از پا در خواهد آمد. چرچیل نخست وزیر بریتانیا در بیست چهارم اکتبر ۱۹۴۱ "سقوط مسکو قبل از آغاز زمستان" را پیش بینی نمود. علاوه بر این، در آمریکا و انگلیس برخی سیاستمداران به حکومتهای خود پیشنهاد می کردند جانب هیتلر را بگیرند. ساموئل معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در خاطرات خود می نویسد: "... در محافل سرمایه مالی آمریکایی ها معتقدند بودند که جنگ میان اتحاد شوروی و آلمان هیتلری بسود آنهاست. آنها می گفتند روسیه قطعاً سرعت شکست خواهد خورد و بلشویسم درهم خواهد شکست."

در بیوگرافی رئیس وقت اداره جاسوسی نظامی آمریکا که در سال ۱۹۸۲ در ایالات متحده منتشر شد، سندتکان دهنده ای درج شده است. این سند، پیشنهاد سازشی است که از سوی یک مامور این اداره به سفیر آلمان در ترکیه داده شده بود. سازش مورد نظر آمریکا از این قرار بود: "۱- به رسمیت شناختن این اصل که آلمان در عرصه سیاست، صنعت و کشاورزی براروپا اعمال سلطه نماید. ۲- آلمان، آمریکا و انگلیس سه قدرت بزرگ جهان خواهند بود: آلمان در قاره اروپا، آمریکا در قاره آمریکا و چین، و بریتانیا در ماوراء بحار و آفریقا (لستان، ساحل دریای بالتیک و اوکراین نیز جزئی از "اروپا" می شود نظر بود)... آلمان در عملیات متفقین علیه ژاپن مدخله نخواهد کرد و در عوض، از مستعمرات هلند سهم خواهد گرفت. ۳- اعطای کمک به روسیه قطع خواهد شد..."

البته این توپله شکست خورد. در غرب واقع بینی بر کمونیست ستیزی غلبه کرد و ائتلاف ضد هیتلری به وجود آمد. تاریخ نه تنها هیتلر، بلکه همه آنهاست که خواب نابودی سوسیالیسم را می دیدند، بجای خود نشانده

باید ارباد صلح جهانی!

در آستانه اول ماه مه

نگاهی کوتاه به جنبش اعتصابی در کشورهای سرمایه‌داری

بقیه از صفحه اول

سرمایه‌داری و به ویژه اروپای غربی نظیر بریتانیا، آلمان فدرال، فرانسه و ایتالیا شاهد اعتصابات گسترده کارگری به مناسبت‌ها و با خواست‌های گوناگون بوده است. مشخصات این مرحله از جنبش اعتصابی در این کشورها چیست؟

اوایل دهه ۸۰، اقتصاد سرمایه‌داری دچار بی‌ثباتی روزافزونی شد. در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲، کشورهای سرمایه‌داری با بحران ادواری مواجه گردیدند که خود را به صورت کاهش تولید صنعتی با افزایش بی‌سابقه بی‌کاری تا میزان ۱۰ الی ۱۱ درصد، تورم و تشدید تضادهای مابین کشورهای امپریالیستی به نمایش گذارد. علاوه بر این، افزایش سرسام‌آور مخارج تسلیحاتی باعث بروز مسایلی افزون بر عوامل یادشده در اقتصاد می‌گردد.

دولت‌های بورژوازی در تلاش برای حل دشواری‌های اقتصادی، بودجه‌های رفاهی را حذف می‌کنند، سیاست ضد کارگری را تشدید می‌نمایند و علیه دستاوردهای دمکراتیک پروتاریا دست به یورش عمومی می‌زنند.

در دوره اخیر بورژوازی تلاش خود را برای تاثیرگذاری ایدئولوژیک بر زحمتکشان افزایش داده است. می‌کوشند به کارگران تلقین کنند که منافع آنها با منافع سرمایه مشترک است تا از این طریق جنبش کارگری را تجزیه نمایند. طبقه حاکم، از میلیتاریسم و علم کردن "خطر شوری" استفاده می‌کند و با هرگونه مقاومت زحمتکشان به این بهانه که "وحدت ملی" ضروری است به مقابله برمی‌خیزد.

اما این همه باعث آرام گرفتن پیکار طبقاتی نشده است. البته در برخی کشورها شمار اعتصاب‌کنندگان کاهش یافته، زیرا سندی‌کام‌تصمیم گرفته‌اند در موقعیت ایجادشده، به مبارزه اعتصابی دامن نزنند. ولی در عین حال، در سالهای اخیر در یک سلسله از کشورها مبارزات طبقاتی رو به گسترش است.

با آن که در برخی کشورها شمار اعتصابیون کاهش یافته، از شدت مبارزات طبقاتی زحمتکشان علیه سرمایه‌داران کم نشده است. به ویژه این

هم‌چنان در دستور کار است. اعتصابیون اینک علاوه بر دستمزد بیشتر، خواهان افزایش بودجه‌های رفاهی نیز هستند. سندی‌کام‌پیوسته برای انطباق دستمزدها بر نرخ افزایش قیمت‌ها مبارزه می‌کنند.

بخش مهم دیگر مبارزات میان کار و سرمایه مسئله اشتغال است. بیکاری جمعی برای انحصارات شرایط مساعدی ایجاد می‌کند تا به مواضع زحمتکشان ضربه بزنند. پیوسته نیست که در بسیاری کشورها درست در شرایط وجود میزان بالای بیکاری تلاشهایی به عمل آمده تا دستمزدها ثابت مانده و بودجه‌های رفاهی کاهش یابد. در این شرایط، قوانینی برای محدود کردن حقوق سندی‌کامی، از جمله حق اعتصاب، به تصویب رسیده است.

شرکت کنندگان در اعتصابات و سایر اقدامات اعتراض جمعی در جهان سرمایه‌داری (تعداد به میلیون)

سال	مجموع	کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری
۶۰.۰۰۰ (رقم مترسالت)	۵۲	۲۷
۷۰.۰۰۰ (رقم مترسالت)	۶۵	۵۰
۱۹۸۰	۶۹	۶۱
۱۹۸۱	۷۲	۶۹
۱۹۸۲	۷۸	۶۷

بی‌کاری، امروز در رابطه با مشخصات تحول انقلاب علمی-فنی نیز تاثیرناپذیر است. بی‌کاری بیش از همه دامن گروه‌های شغلی متخصص نظیر کارگران ماهر و معلمان را می‌گیرد. با توجه به این امر، امروز در نبرد برای مشاغل معلمان، این خواست‌ها مطرح می‌شود: کنترل مستقیم سندی‌کامی بر آهنگ استفاده از تکنولوژی جدید تولید در کارخانجات، تخصیص بودجه برای آموزش کارگران و پرداخت بیمه بیکاری به میزان آخرین دستمزد تا بافتن شغل جدید. سندی‌کام‌های بسیاری از کشورها فعالیت خود را برای تحقق چنین کنترل در سطح ملی افزایش داده‌اند. علاوه بر اینها، این خواست‌ها نیز مطرح می‌شود: کاهش ساعات کار بدون کاهش دستمزد، کاهش بودجه نظامی و افزایش بودجه اجتماعی و ملی کردن واحدهایی که در آستانه تعطیلی است. سندی‌کام‌های بزرگ تعدادی از کشورهای سرمایه‌داری خواهان انجام اقدامات علیه تورم شده‌اند.

یکی از وجوه مشخصه مرحله کنونی مبارزه طبقاتی کنونی در آن است که سندی‌کام‌ها در جنبش صلح شرکت می‌جویند و اشکال مبارزه‌ای را که طی سالها پیکار خود با موفقیت آزموده‌اند، وارد این جنبش می‌کنند (مثلا اعتصاب، تحریم و کم‌کردن نگهبانان اعتصاب). آماج اصلی این گونه اقدامات، انحصارات وابسته به مجتمع نظامی-صنعتی است.

روی هم رفته، تلاش‌های بورژوازی برای عادی ساختن مکانیزم اقتصادی به کمک محدود کردن حقوق زحمتکشان با موفقیت همراه نیست. بسیاری از مسایل اقتصادی گسترش وحدت یافته‌اند. این همه، مبارزه میان کار و سرمایه را دامن خواهد زد.

منبع: مطبوعات شوروی

مبارزات بیش از پیش جنبه سیاسی به خود می‌گیرند. مبارزه زحمتکشان در دفاع از حقوق خود در مرحله کنونی اغلب شکل سراسری و ملی به خود می‌گیرد و زندگی شهرهای بزرگ، مناطق و کل کشور را فلج می‌سازد. تظاهرات، میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های اعتراض تحت شعارهایی انجام می‌گیرد که بر خواست‌های طبقه کارگر در جنبش اعتصابی منطبق است.

یک ویژگی دیگر مرحله کنونی در آن است که در هیچ بخش جامعه آرامش نسبی حکم فرما نیست. مثلا بخش دولتی اقتصاد سرمایه‌داری نیز به عرصه مبارزات سخت و پایان‌ناپذیر تبدیل شده است. کارمندان که در گذشته از لحاظ طبقاتی یک گروه اجتماعی نسبتاً منفعل بودند، پیوسته فعال‌تر می‌شوند. اقدامات معلمان (تنها در سال ۱۹۸۱ بیس از ۱۰۰ مورد در آمریکا)، پزشکان و شاغلین رشته حمل و نقل گویای آن است که منافع آنها به منافع پروتاریای صنعتی نزدیک می‌شود. این امر در خدمت ایجاد جبهه واحد اعتراضی ضد سرمایه‌داری است.

یکی از مهمترین پدیده‌های سال‌های اخیر آن است که در کشورهای سرمایه‌داری، زحمتکشان رشته‌های کلیدی صنعت در مبارزات طبقاتی فعال‌تر می‌شوند.

بخش مهمی از مبارزات طبقاتی میان کار و سرمایه، اقدامات زحمتکشان علیه انحصارات فرامیلتی است. در دهه‌های کشور که شرکت‌های فرامیلتی شعبه دارند، طبقه کارگر خواست‌های یکسان مطرح می‌کند و همبستگی انترناسیونالیستی خود را تحکیم می‌نماید.

مبارزه زحمتکشان برای خواست‌هایی که در نظر اول صرفاً اقتصادی می‌نماید، پیوسته مشخصات نبردی علیه استثمار به طور کلی را به خود می‌گیرد. سندی‌کام‌ها به طور فزاینده به اعمال کنترل بر تولید علاقه نشان می‌دهند، خواستار اعمال نفوذ بر شرایط کار و استخدام می‌شوند و در سطح کشور این مسائل را مطرح می‌سازند.

اما نبرد روزمره برای افزایش دستمزد نیز

اول ماه مه گرامی باد!

کارگران و زحمتکشان ایران!
عوامل سپاه و کمیت‌ها در کارخانه‌ها، دوا بصر حراسته
انجمنهای اسلامی، جاسوسان رژیم و عوامل سرکوب
مبارزات شما هستند. این جاسوسان و عوامل سرکوب
را افشاء کنید و نگذارید در مبارزه کارگران خرابکاری
کنند. با همبستگی و یکپارچگی خود حربه اخراج را کند
و بی اثر سازید. برای حمایت از کارگران اعتصابی و
برای حمایت از اخراج شدگان صندوق ویژه تشکیل
دهید. از لایحه‌ها کارگران دستگیر شده حمایت کنید.
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رساترباد فریاد اعتراض جهانی — علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران —

بقیه از صفحه اول

به زور سر نیزه نمی توان حکومت کرد

روزنامه ریزوسپاستیس ارکان حزب کمونیست یونان به مناسبت ششمین سالگرد انقلاب ایران در شماره ۱۰ فوریه خود مقاله ای درج نموده است که ترجمه بخشهایی از آن را در زیر از نظرتان می گذرانیم.

فردا یازدهم فوریه - افکار عمومی متوجه انقلاب ۱۹۷۹ ایران می شود، انقلابی که آنهمه امید به وجود آورد و اکنون همه آن انتظارات را با شرایط امروزی این کشور مقایسه می کنند.

طبیعتاً ناراحت کننده است که کسی بخواهد آن عشق قهرمانانه به انقلاب را در سال ۷۹ با سقوط مصیبت بار امروزی و برخورد تاریخی با امپریالیسم را با جنگ خونین و بی پایان بین ایران و عراق مقایسه کند. این نمونه هم باز یادآوری این نکته است که جاده های تاریخ پر از پیچ و خم و فراز و نشیب است.

در گذشته بارها این فرصت به ماست داده بود که به اوضاع ایران نظر بیفکنیم. متأسفانه آن اوضاع امروز هم به همان منوال مانده است. یک رژیم دیکتاتور، مرتجع و در خدمت نظام سرمایه داری، با یورش وسیع به نیروهای پیشرو و سرکوب آنان کوش می کند توده های کارگران، کشاورزان و دیگر زحمتکشان را وادار به اطاعت کند.

وضعیت اقتصادی ایران رو به ویرانی می نهد و اگر تاکنون از هم نپاشیده بدان علت است که رژیم با ارباب و سرکوب بارستگین ناپسامانیها را بردوش زحمتکشان انداخته است

مساله اساسی کشور جنگ بی سرانجام و دامنه دار با عراق است که وارد پنجمین سال خود می شود.

جای هیچ شکی وجود ندارد که ادامه جنگ خواست رهبران ایران است چرا که رژیم این کشور نمی خواهد و نمی تواند پاسخگوی مسائل اساسی کشور باشد. سران رژیم می خواهند که این جنگ دائمی باشد تا بتوانند کشور را در بی نظمی و هرج و مرج ننگ دارند از طرف دیگر سودی که دوستان نزدیک رژیم، کلان سرمایه داران و بازاریان تهران از ادامه این جنگ می برند، حد و حساب ندارد.

این خواست امپریالیسم بود که جنگ تداوم پیدا کند تا از این طریق دو کشور ایران و عراق را ضعیف کرده و آنها را در چنگال خود ننگ دارد.

به جنگ ایران و عراق باید پایان داده شود. این خواست تمام نیروهای پیشروست، خواسته ای که در کانون تبلیغات آنان قرار گرفته است.

در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گفته شده است مبارزه علیه دخالت امپریالیسم و حاکمیت ارتجاع و نیروهای وابسته، با این خواست مردمی که مصلح می خواهیم نه جنگ، رابطه تنگاتنگی دارد.

چا دارد به واکنش مردم ایران در برابر رژیم حاکم بر این کشور نیز اشاره کنیم که از شعارهای

تو خالی حکومت که می چنگاه با عمل همراه نبوده، سرخورده شده اند.

اطلاعاتی حاکی از اعتصابات و تظاهرات در تهران و شهرهای بزرگ دیگر به گوش می رسد. در حال حاضر این حرکات توسط پاسداران سرکوب می شوند. اما تا کی؟ در ایران هم به زور سر نیزه نمی توان حکومت کرد.

برنده این جنگ

امپریالیسم جهانی و صهیونیسم

روزنامه ریزوسپاستیس در شماره شنبه ۲۰ مارس خود به انعکاس تظاهرات ایرانیان مقیم آتن در اعتراض به ادامه جنگ بین ایران و عراق و بمباران شهرها پرداخته است.



این روزنامه می نویسد:

"گروهی از میهن پرستان ایرانی و عراقی که در آتن زندگی میکنند، در مرکز این شهر مخالفت خودشان را با جنگ خونین و آمریکا راه انداخته ایران و عراق اعلام کردند. این جنگ تاکنون صدها هزار کشته و خسارات غیر قابل محاسبه داشته است و همانطور که در اعلامیه ای که به امضای فدائیان خلق ایران (اکثریت) - یونان، هواداران حزب توده ایران - یونان و حزب کمونیست عراق - یونان رسیده قید شده است، تنها برنده این جنگ، امپریالیسم جهانی و صهیونیسم است."

همبستگی با مردم ایران

در شهر ماری - فرانسه

به ابتکار اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه در شهر ماری، از تاریخ ۱۸ الی ۲۲ مارس "هفته بین المللی دانشجویان" در دانشگاه سن کارل و کوی دانشگاه این شهر برگزار شد. بسیاری انجمنهای دانشجویی خارجی مقیم ماری از جمله دانشجویان ایرانی و نیز انجمنهایی نظیر "انجمن فرانسوی دوستی و همبستگی با خلقهای آفریقا"، "جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها" در برگزاری این هفته شرکت داشتند.

هر شب این "هفته" به مساله خاصی در جهان تعلق داشت از قبیل همبستگی با آمریکای لاتین، مبارزه علیه نژادپرستی و آپارتاید، اختناق در ایران و ترکیه، مساله گرسنگی در جهان و صلح و دوستی بین خلقها.

در شب ۲۰ مارس که مصادف با آغاز سال نو ایرانی بود "شب ایران" آغاز شد. در این شب پس از نمایش اسلایدهایی از زندگی زحمتکشان و بخصوص کودکان ایرانی، دو مقاله آماری و افشاگرانه در رابطه با وضعیت آموزشی، اختناق، شکنجه زندانیان و جنگ ایران و عراق خوانده شد که مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت.

در شب آخر این هفته (شب صلح و دوستی بین خلقها) برای مسؤولین برگزاری "هفته" پیامهایی، از جمله از فدائیان خلق در ماری رسید. در این پیام آمده بود "ما برگزاری موفقیت آمیز این هفته را به شما تبریک می گوئیم و برایتان در امر همبستگی بین المللی و دوستی بین خلقها که ابتکار برگزاری این هفته خود نشانه ای از آن است آرزوی موفقیت می کنیم..."

قطعنامه سازمان زنان فلیپین

در کنفرانس ملی سازمان زنان فلیپینی که با حضور هیئتهایی از سراسر این کشور برگزار گردید قطعنامه ای در اعلام همبستگی با مبارزات زنان جهان از جمله ایران صادر شد. در این قطعنامه آمده است: "ما همبستگی خود را با زنان سراسر جهان که مبارزه خود را جهت بدست آوردن آزادی ملی، دموکراسی، خلق سلاح، صلح، علیه تبعیض بر پایه نژاد، جنس و علیه همه شکلهای استثمار و بی عدالتی ادامه می دهند، اعلام می داریم."

ما پشتیبانی خود را از:

- زنان و زندانیان سیاسی در ایران

- زنان و کارگران در کستاریکا

- زنان آفریقای جنوبی به رهبری آلبرتینا سیسولو که دستگیر شده است

- زنان شیلی، نیکاراگوا، السالوادور، گواتمالا، اوروگوئه و آرژانتین

- زنان لبنان

اعلام می داریم."

رهبران اتحادیه های کارگری پاکستان

خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند

حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی بخاطر اعمال اختناق و کشتار و شکنجه نفرت روز افزون کارگران و زحمتکشان جهان را علیه خود برانگیخته است.

رهبران اتحادیه های کارگری کارخانه های ایالت پنجاب پاکستان، با تأیید برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، حمایت بیدریغ خود را از این فرزندان انقلابی خلق که زیر وحشیانه ترین شکنجه های جلادان جمهوری اسلامی قرار دارند اعلام نموده و خواهان آزادی آنان شدند.

در ضمن از سوی مسؤولین "سازمان نوجوانان" و "انجمن رفاه نوجوانان" در لاهور نیز بازندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی شد.

چشم روز جهانی زن در تورنتو (کانادا)

چشم روز هشتم مارس، روز جهانی زن در کانادا.

با حضور رفیق انجلا دیویس، عضو کمیته مرکزی حزب

مسابقه کشتار، هنوز هم ادامه دارد

همه اظهارات مقامات رژیم در هفته گذشته و تفسیرهایی که پیرامون سفر خاویر پریز و کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد به تهران و بغداد نوشته شد، حاکی از آنند که هنوز دورنمای روشنی برای پایان یافتن مسابقه کشتار، بین حکومت‌های خمینی و صدام پدیدار نشده است. میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی در دیدار روز دوشنبه ۱۹ فروردین با خاویر پریز و کوئیار مدعی شد که رژیم متبوع وی می‌تواند این مسابقه را تا "پیروزی نهایی" ادامه دهد و طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق در حین بدرقه دبیرکل سازمان ملل در فرودگاه بغداد گفت "جنگ ادامه خواهد یافت." دبیرکل سازمان ملل متحد بعد از سفر به پایتخت دو کشور اظهار داشت که: "ما بسیار مواظبیم انتظاری را بر نیندازیم و این احساس را به وجود نیاریم که پیشرفتی صورت گرفته است."

همه مقامات جمهوری اسلامی در اظهارنظرهای خود حول و حوش این سفر، باز حرف‌های همیشگی خود را تکرار کردند. خامنه‌ای نخستین شرط ترک محاصره را سقوط صدام دانست، رفسنجانی از موشک‌های دقیق‌تر و کارآتری که آماده شلیک به سوی بغداد هستند، سخن گفت و در نماز جمعه هفته پیش نیز بر شروط همیشگی رژیم برای پایان جنگ تأکید کرد و ولایتی وزیر امور خارجه، در هنگام مشایعت خاویر پریز و کوئیار به خبرنگاران اظهار داشت که شرایطی همان است که از اول گفته ایم، ما تا پیروزی نهایی به مبارزه خود ادامه می‌دهیم. خمینی نیز هم چنان که می‌دانیم در آستانه هفته پیش تأکید کرده بود که "ما تا آخر با صدام مبارزه می‌کنیم و به حرف‌های منحرفین، اعتنایی نخواهیم کرد." البته در میان این همه های وهوی نباید این سخنان هفته گذشته طارق عزیز، وزیر امور خارجه صدام بعد از ملاقات با دبیرکل سازمان ملل متحد را نیز از نظر دورد داشت که گفت: "سران رژیم ایران در ملاقات‌های خصوصی حرف‌هایی را می‌زنند که با موضع رسمی‌شان نمی‌خواند. در هفته گذشته اگر چه جنگ شهرها به نحو محسوسی فروکش کرد، اما احتمال از سرگیری دوباره

کمونیت آمریکا بر گزار گردید. دربستی از این مراسم که به اعلام حمایت از مبارزات تمام زنان دنیا اختصاص داشت، رفیق آنجلا دیویس به سخنرانی پرداخت. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "کشورهای سرمایه داری سعی می‌کنند که تا حد ممکن کنفرانسی را که قرار است در پایان دهم زن (۸۵-۱۹۷۵) در نایروبی تشکیل شود غیر سیاسی کرده و محتوی آنرا به امور تحصیل و بهداشت تقلیل دهند و موضوعاتی نظیر مبارزه با استعمار، وضع جنگ و صلح، وضع رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و مبارزات زنان فلسطین را حذف کنند." وی تأکید کرد که روز زنان روز صلح است و زنان متحد قدرت عظیمی دارند.

پس از این سخنرانی، نوبت پاسخدهی به پرسش‌های حاضر قرار رسید. رفیق آنجلا دیویس در پاسخ به یکی از سؤالات اظهار داشت: "انقلاب ایران نه تنها برای مردم ایران بلکه برای همه جهان لحظه

بمباران تهران و بغداد و شهرهای دیگر دو کشور، با شدت هفته‌های پیش، هم چنان وجود دارد.

جمهوری اسلامی اگرچه بیش از هر هنگام دیگری ناچار گشته است به طور جدی به فرجام کار خویش بیندیشد اما به هیچ وجه از شدت تبلیغات خود حول شعار خانمان برانداز "جنگ، جنگ، تا پیروزی" نکاسته و هم چنان در این جهت تلاش می‌ورزد. آن چه که اکنون دست جمهوری اسلامی را بسته و این رژیم مرتجع جنگ افروز را در تنگنا قرار داده است فشار مردم، محدودیت‌های عینی برای حملات وسیع و فشارهای بین المللی است. در این میان فشار مردم که بر خواسته میرم قطع فوری جنگ تأکید می‌ورزند، برجستگی ویژه‌ای دارد. تظاهرات ۲۱ فروردین محله ۱۲ آبان یک اخطار جدی است. بیهوده نیست که عوام فریبی و تبلیغات سرپا دروغین در این مورد که مردم خواهان جنگند "در سخنرانی‌های اخیر رهبران رژیم جای خاصی یافته است. هاشمی رفسنجانی، در نماز جمعه ۱۶ فروردین و قیاحانه مدعی شد که "مردم خودشان دنبال جنگ هستند و بیش از آنچه که مسئولین کشور به جنگ فکر کنند، مردم فکر می‌کنند و اگر روزی ما مرد جنگ نیابیم، مردم ما را کنار می‌گذارند و خودشان می‌جنگند!"

سرگردان رژیم جنگ افروز ضد مردمی خمینی که در کاخهای بزرگ شمال تهران پناه گرفته اند تانه فقط از بمب‌های هواپیماهای عراقی که پیش از آن از لیبیب خشم مردم در امان بمانند، با اینگونه اراجیف نشان می‌دهند که در عیش ویرانی و کشتار می‌سوزند آنها برآنند که تا هر زمانیکه بتوانند کوشان را بر بندند تا به فریاد مردم که به صد زبان، برخواستن میرم صلح تأکید می‌کنند، وقعی ننذارند. این امر بر شدت عقوبت آنها افزوده می‌کند.

هیچ ناشنوایی، ناشنوتر از آن کسی نیست که نمی‌خواهد بشنود. تاریخ همواره سخت‌ترین عقوبت خود را به این گونه "ناشنواییان" اختصاص داده است.

سعادت باری بود. ولی اکنون وضعیت بگونه‌ای دیگر است. رژیم جمهوری اسلامی ایران زنان را مورد فشار قرار می‌دهد. کمونیستها را دستگیر و زندانی می‌کند.

اما انقلاب ایران باید ادامه یابد و ما از این مبارزه پشتیبانی می‌کنیم" از سوی فدائیان خلق ایران (اکثريت) - کانادا پیامی خطاب به این گردهمایی ارسال شد.

توضیح:

در شماره ۵۰ اکثريت برخی کلمات غلط تاپ شده است که بدینوسیله تصحیح می‌شود.
دو صفحه دوم ستون اول پاراگراف سوم بجای "بیاتر" سازمانگر تاپ گردید. در مقاله کشتار در بن بست جنگ در صفحه ۶ "مروالهیوز" حورالهیوز نوشته شد. در همین مقاله در ستون دوم پاراگراف ماقبل آخر بجای "تفسیر"، قید تاپ گردید.

مصاحبه "اکثريت" با رفیق تیسیر عضو

دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین

بقیه از صفحه ۹

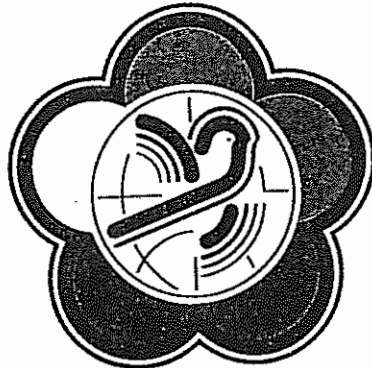
بخش و الصاعقه می‌باشد. مشخصه عمومی این اتحاد برخورد تند و چپ روانه با مسائل و مشکلات درونی ساف است.

ما بعنوان اتحاد دموکراتیک مبارزات سخت و طولانی برای حفظ وحدت درونی ساف را پشت سر گذاشتیم.

گفتگوی مابار رهبری الفتح چندین ماه بطول انجامید که در پی آن و با کمک رهبران دو کشور بین دموکراتیک و الجزایر، پیمان عدن بین ما به امضا رسید. در آن زمان این پیمان برنامه سالمی برای ایجاد وحدت در درون جنبش فلسطین بود. این پیمان شامل قطع رابطه فوری با مصر، تکیه بر مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، تنظیم مقررات دقیق حساب شده در مناسبات با اردن و انجام اصلاحات مشخص دموکراتیک در بافت "ساف" بود. لیکن رهبری راست که خائنانانه در صفوف "ساف" رخنه کرده و به همه موازین انقلابی پشت پازده به تمام مواد این پیمان هم پشت کرد. روابط خود را با مصر ادامه داد و یک جانبه خواهان تشکیل شورای ملی فلسطین شد. آنها همه مصوبات شانزدهمین اجلاس این شورا را زیر پا گذاشتند، به پیمان عدن پشت پا زدند، همه تشکلهای صنفی کارگری، دانشجویی و زنان فلسطینی را به دوپاره منشعب نمودند. برای توجیه گرایش به راست خود و پلکان قراردادن ما برای رفتن بسوی آمریکای خواهان تشکیل اجلاس شورای ملی فلسطینی گردیدند و آنها این اجلاس را بصورت غیر مشروع و فقط با شرکت خودشان تشکیل دادند. جالب توجه است که تنها دو محل تشکیل این اجلاس نامزد بودند. هدف این اجلاس چیزی جز پیوستن به محور مصر و عمان و اردن نبود. خطرناک‌تر از همه اینها پیمان اخیر اردنی-فلسطینی است. طبق این پیمان دو نکته اساسی مورد تأکید فلسطینیان یعنی واحد بودن نماینده رسمی آنها در هیات "ساف" و تلاش جهت ایجاد یک دولت مستقل ملی فلسطینی زیر پا گذاشته می‌شود. اردن تبدیل به نماینده اصلی فلسطینیان می‌گردد و بجای کشور مستقل فلسطینی کنفدراسیون تشکیل می‌شود. به این ترتیب رهبری راست‌ترا به اتحاد ارتجاع عرب پیوسته است.

این وضع ایجاب می‌کند که تمام نیروهای فلسطینی در یک جبهه بخاطر شکست دادن این اتحاد گرد آیند. این امر جز از طریق برانداختن طراحان و رهبران این حرکت راست ممکن نیست. دیگر گفتگو با کمیته مرکزی الفتح غیر ممکن شده است مگر آنکه آنها از این هدف دست برداشته، از خود انتقاد کرده و قاطعانه اثر محکوم نمایند. ما در این مرحله سعی داریم که یک جبهه وسیع ملی از تمام قوای ملی و مترقی و شخصیت‌های برجسته ملی برای مبارزه بخاطر برانداختن این پیمان و بازگشت "ساف" به صف نیروهای ملی تشکیل دهیم. آینده "ساف" موکول به این است که تا چه اندازه نیروهای ملی و دموکراتیک اتحاد عمل داشته و از حرکات چپ روانه یا راست روانه حذر کنند. هم اکنون مذاکرات بین اتحاد دموکراتیک و اتحاد ملی پیرامون تشکیل چنین جبهه‌ای جریان دارد.

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان: میعادگاه همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی



دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در اوت ۱۹۸۵ در مسکو برگزار خواهد شد. این جشنواره که تجلی مبارزه جوانان جهان در راه صلح، مقابله با سیاست‌های زورمدارانه، استعمار نوین، نژادپرستی، فاشیسم، آپارتاید و هر نوع فشار و سرکوب می‌باشد، شور و شوق گسترده‌ای در جوانان و دانشجویان سراسر جهان برای شرکت در این جنبش وسیع به وجود آورده است. مادر ادامه انعکاس این تلاش جهانی به درج فراخوان خطاب به جوانان و دانشجویان همه کشورها می‌پردازیم.

هیئت‌های نمایندگی ۱۸۶ سازمان ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از ۹۲ کشور جهان که در نخستین نشست کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان - از ۹ تا ۱۱ فوریه ۱۹۸۴ در کوبیا- شرکت داشتند فراخوان زیر را خطاب به جوانان و دانشجویان منتشر ساختند:

ما شرکت‌کنندگان نخستین کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان از ابتکار کمسومول لنینی اتحاد شوروی جهت میزبانی جشنواره تابستان سال ۱۹۸۵ در مسکو استقبال می‌کنیم. برابر قرارهای مصوب در نشست، جشنواره باشعراهای برای همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی برگزار خواهد گردید.

اینکه ما از جوانان و دانشجویان همه کشورها دعوت می‌کنیم فعالانه در تدارک جشنواره دوازدهم که طلایه‌دار سنت جنبش جشنواره‌های جهانی و جشنواره هاواناست، شرکت جویند. امروزه که بشریت بیش از پیش در نتیجه سیاست‌های محافل ارتجاعی و نظامیگر در معرض خطر نابودی هسته‌ای قرار گرفته، جوانان و دانشجویان مصرانه خواستار خاتمه مسابقه تسلیحاتی و توقف استقرار موشک‌های هسته‌ای در قاره اروپا و دیگر نقاط جهان می‌باشند.

جوانان و دانشجویان ممنوعیت تولید و نابودی سلاح‌های هسته‌ای و جلوگیری از تولید و تکامل سیستم‌های نظامی امحا دستجمعی و همچنین خلع سلاح همه‌جانبه در سطح جهانی را طلب می‌کنند. نسل جوان مصمم است به ائتلاف منابع عظیم مادی و معنوی در مسابقه تسلیحاتی پایان دهد و آنها را برای حل مشکلات حیاتی مانند فاجعه گرسنگی، فقر و بی‌سوادی که در سطح جهانی گریبانگیر بشریت می‌باشند به کارگیرد.

چهل سال پس از پیروزی بر فاشیسم هیتلری جشنواره جهانی در کشوری برگزار می‌شود که مردم آن در سرکوب فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن سهم برجسته‌ای داشتند. با عبرت از جنگ خانمانسوز جهانی دوم ما بار دیگر بر این واقعیت تاکید می‌ورزیم: ایثار میلیون‌ها انسان ضدفاشیست در کشورهای مختلف که با قربانی کردن خود، این پیروزی سترگ را ممکن ساختند بی‌پایه نبوده است! در اینجا ما میثاق می‌بندیم، با استفاده از تمامی امکانات علیه نظامی‌گری، تجاوز و خطر وقوع یک جنگ فراگیر جدید، مبارزه کنیم.

نسل جوان با سیاست‌های تجاوزکارانه و

تدارک برگزاری باشکوه جشنواره

باموفقیت ادامه دارد

فعالیت‌های گسترده بین‌المللی برای هر چه باشکوه‌تر برگزار کردن دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در مسکو، هم‌چنان ادامه دارد. اعضای "کمیسیون دائمی" تدارک جشنواره وظیفه پیشبرد امور جاری مربوط به برگزاری جشنواره را برعهده دارند. اعضای این کمیسیون که در سومین نشست کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره برگزار شده کار خود را از ژانویه ۱۹۸۵ آغاز نموده و تا هنگام برگزاری جشنواره در مسکو اقامت خواهند داشت.

نمایندگان کمیته‌های ملی تدارک از کشورهای زیر در "کمیسیون دائمی" عضویت دارند: الجزایر، آنگولا، آرژانتین، اتیوپی، فنلاند، آلمان فدرال، آلمان دموکراتیک، یونان، فرانسه، هند، ایتالیا، کوبا، بلغارستان، کنگو، شیلی، چکسلواکی، اکوادور، السالوادور، جمهوری دموکراتیک کره، لبنان، نیکاراگوئه، فلسطین، لهستان، پرتغال، کینه‌بیسائو، پورتوریکو، رومانی، کنگره ملی آفریقا از آفریقای جنوبی، سوریه، اتحاد شوروی، مجارستان، جمهوری دموکراتیک خلق یمین، ویتنام، ایالات متحده آمریکا. هم‌چنین سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی زیرنیز در این کمیسیون دارای نماینده می‌باشند:

- اتحادیه سراسری دانشجویان آفریقا

- دبیره جوانان اروپای غربی

- بین‌الملل جوانان لیبرال

- بین‌الملل جوانان سوسیالیست

- اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

- جنبش پان آفریکن جوانان

- فدراسیون بین‌المللی جوانان دمکرات

در سومین نشست کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره جوانان و دانشجویان که در اواخر نوامبر ۱۹۸۴ در مسکو برگزار گردید هم‌چنین رئیس برنامه جشنواره به تصویب رسید.

در کنار موضوعات اصلی، درحاشیه جشنواره جلسات گوناگون بحث و مناظره با شرکت‌کنندگان سازمان‌ها و دیگر میهمانان برگزار خواهد شد. تاکنون بر سر جلساتی درباره موضوعات زیر توافق حاصل شده است:

- صلح و خلع سلاح

- همبستگی با خلق‌ها و مبارزه آنان برای دست‌یابی به استقلال، آزادی، دمکراسی و حق تعیین سرنوشت.

- وضعیت اجتماعی جوانان، پی‌آمدهای بحران اقتصادی برای آنان، حدود مشارکت جوانان در امور جاری کشورها.

- مبارزه زنان برای برابری حقوق

- حفظ محیط زیست

برخی ساروژها و وقایع مهم تاریخی مانند چهلمین سالگرد سرکوب فاشیسم هیتلری، دهمین سالگرد امضای پروتکل‌های هلسینکی برای امنیت همکاری در اروپا، چهلمین سالگرد تشکیل سازمان ملل متحد و چهلمین سالگرد پرتاب بمب اتمی بر هیروشیما توسط ایالات متحده، در مناظره‌ها و بحث‌ها مورد تامل قرار خواهند گرفت.

زورمدارانه، استعمار نوین، نژادپرستی، فاشیسم، آپارتاید و هر نوع فشار و سرکوب عیناً مخالف است. دوازدهمین جشنواره جهانی نمایش پرصلابت همبستگی ضد امپریالیستی با مبارزه عادلانه خلق‌ها و جوانان در آمریکای مرکزی و لاتین، حوزه کارائیب، آسیا، آفریقا، منطقه مدیترانه و خاور نزدیک، برای صلح، آزادی، رهایی ملی، استقلال و پیشرفت اجتماعی خواهد بود. جشنواره بسیاری از جوانان و دانشجویان را به مبارزه برای حل مشکلات رشد کشورها و برقراری یک نظم اقتصادی نوین بین‌المللی جلب خواهد کرد. به اعتقاد دوازدهمین جشنواره جهانی پای‌بندی جوانان را به اصول مضمونی پروتکل‌های نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که ۱۹۸۵ دهمین سال امضای آنها می‌باشد، نشان خواهد داد. تدارک و برگزاری جشنواره گام مهمی در راه دستیابی به اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل متحد است که سال ۱۹۸۵ را سال جهانی جوانان اعلام کرده است. هدف عمده اعلام شده عبارتست از تضمین حقوق اساسی جوانان اعم از حق کار، آموزش، درمان، فرهنگ، ورزش و استفاده از دستاوردهای هنر.

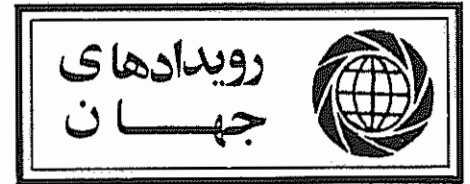
ما از جوانان و دانشجویان همه کشورها، سازمان‌های جوانان، دانشجویان و کودکان، تشکلهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی، فرهنگی و سندیکایی در همه قاره‌ها دعوت می‌کنیم با تشکیل کمیته‌های ملی و صندوق‌های کمک مالی، فعالیت تدارکاتی جشنواره را در سطح جهانی آغاز کنند.

همه ما اطمینان داریم جوانان شوروی که در زندگی اجتماعی کشور خود و هم‌چنین در مبارزه و همبستگی در جنبش جهانی جوانان و دانشجویان نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند به نحو شایسته‌ای از عهده میزبانی جشنواره دوازدهم برخوانند آمد.

به نام سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جوانان و دانشجویان، همه نیروهایی را که ایده انسان‌دوستانه و والای جنبش جشنواره‌های جهانی را می‌پذیرند فرامی‌خوانیم با تمام قوا بکوشند جشنواره دوازدهم به مثابه نمایش اراده راسخ ما برای رسیدن به تفاهم و عمل مشترک، تضمین صلح و آینده‌ای روشن برای نسل جوان برگزار گردد!

زنده باد دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان!

زنده باد همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی!



قطع یکجانبه استقرار موشکهای میان برد در اروپا توسط شوروی

عصر روز یکشنبه معتم آوریل خبرگزاری شوروی تاس گزارش داد اتحاد شوروی از هم اکنون به طور یکجانبه به استقرار موشکهای میان برد در خاک اروپا پایان می دهد. این خبر طی مصاحبه میخائیل گرباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، با روزنامه یارودا اعلام شد. رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی طی این مصاحبه اعلام داشت: (از امروز اتحاد شوروی مهلت دیگری برای استقرار موشکهای میان برد خود اعلام، و انجام اقدامات متقابل در اروپا را قطع می کند. این مهلت تا نوامبر سال جاری خواهد بود. اینکه ما بعد از چه تصمیمی بگیریم، به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده آمریکا از مایپروی خواهد کرد و به استقرار موشکهای میان برد خود در اروپا پایان خواهد داد یا نه.

گرباچف افزود اکنون باید از تصمیماتی که جهان را به سوی فاجعه هسته ای بکشاند جلوگیری کرد. رهبر شوروی گفت هدف مذاکرات با آمریکا در ژنو جلوگیری از آغاز مسابقه تسلیحاتی در فضا و قطع آن در روی زمین است و این اهداف باید اینک تحقق یابد. در مورد مناسبات با آمریکا، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت تحولاتی در این مناسبات دیده می شود، "مانند تغییراتی بزرگ. در مجموع این روابط متشنج مانده است."

در سراسر جهان اقدام یکجانبه اتحاد شوروی بعنوان نشانه ای از حسن نیت و احساس مسئولیت این کشور در قبال امر خطیر حفظ صلح قلمداد گشت. در آمریکا، سناتور دمکرات گاری هارت خواهان قبول پیشنهاد شوروی از سوی آمریکا گردید. بتینوکر اکی نخست وزیر ایتالیا اقدام اتحاد شوروی را نشانه ای از آمادگی برای گفتگو دانست. ۲۸ نماینده کنگره آمریکا در نامه ای به ریگان خواهان قطع آزمایش و استقرار اسلحه های هسته ای میان بر دو استراتژیک و سلاحهای فضایی تا پایان موفقیت آمیز مذاکرات ژنو گردیدند. در مقابل، سخنگوی کاخ سفید اعلام داشت آمریکا به استقرار موشکهای میان برد در خاک اروپا ادامه خواهد داد.

تظاهرات گسترده جنبش صلح در اروپا

عید پاک امسال نیز چون سالهای گذشته شاهد برگزاری تظاهرات گسترده جنبش صلح اروپای غربی در اعتراض به مشی نظامی گرانه دولت آمریکا و متحدین ناتوی آن بود. در بریتانیا و آلمان فدرال صدها هزار تن از مردم این کشورها علیه سیاست ریگان مبنی بر نظامی کردن فضا و ادامه استقرار موشکهای میان برد در خاک اروپای غربی اعتراض کردند. در آلمان فدرال مجموعاً چهارصد و پنجاه هزار نفر در راهپیمایی های عید پاک شرکت جستند که برخلاف پیش بینی های مطبوعات بورژوایی، بیش از رقم سال گذشته است. راهپیمایی های مزبور، به دعوت

اتحادیه سندیکاهای آلمان، حزب کمونیست آلمان و سایر نیروهای مترقی و صلحدوست این کشور انجام گرفت.

سقوط رژیم نمیری در سودان

همانگونه که در شماره پیش "اکثریت" نیز گزارش نمودیم، ژنرال عبدالرحمان سوارالذهب وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش سودان در راس یک کودتای نظامی جعفر نمیری دیکتاتور این کشور را سرنگون کرده و قدرت را بدست گرفت.

وفادار است. یکی از قراردادهای خارجی رژیم نمیری، با مصر است که پیمانی ارتجاعی و تجاوزکار به شمار می رود. همچنین به رهبری سندیکاهای سودان اختار شد در صورت ادامه اعتصابات، رهبران جنبش به اتهام "خیانت" محاکمه خواهند شد. تحولات طوفانی روزهای اخیر در سودان که به سقوط رژیم نمیری انجامید، با شکستن دیوارهای اختناق و سرکوب بدست توانای خلق همراه بود. به محض اعلام خبر برکناری نمیری، مردم خارطوم و سایر شهرهای بزرگ سودان در خیابانها به شادی و پایکوبی پرداختند. در دانشگاه سودان، رهبران سندیکاهای



صحنه ای از جنبش توده ای ضد دیکتاتوری مردم سودان در روزهای گذشته

طی یک گردهمایی به بررسی اوضاع کشور نشستند. در این گردهمایی عمومی، رفیق فاطمه ابراهیم عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان نیز شرکت داشت. وی طی سخنانی خواهان حل دمکراتیک مسائل کشور گردید.

رهبران سندیکاهای در ملاقات چند روز پیش با ژنرال سوارالذهب موکدا از وی خواستند که رژیم نظامی جدید بلافاصله جای خود را به یک حکومت غیر نظامی بدهد.

ناظرین معتقدند تداوم سیاست رژیم گذشته با مقاومت گسترده مردم سودان روبرو خواهد شد.

دستگیری دو یست تن از مردم صور توسط ارتش اسرائیل

ارتش اسرائیل در ادامه اقدامات خود به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم جنوب لبنان، روز سه شنبه گذشته دست به یک عملیات بگیر و ببند وسیع در بندر صور زده و طی آن، ۲۰۰ تن از اهالی این شهر را دستگیر کرد. نیروهای اشغالگر با چهل تانک و زره پوش وارد این شهر شدند، راههای ورودی به مرکز شهر را بستند و همه مردان را برای بازجویی به مدرسه ای بردند.

در صبح همان روز جنگنده بمب افکن های اسرائیلی به یک روستا واقع در کوهستان شوف در جنوب شرقی بیروت حمله کردند و در این حمله چهار غیر نظامی کشته و شش نفر مفقود شده اند.

از سوی دیگر ارتش اسرائیل در ادامه عقب نشینی از جنوب لبنان اردوگاه انصار را که اسرای جنگی فلسطینی و لبنانی در آن بصری بردند، تخلیه و سپس با خاک یکسان کرد. برخلاف مقرارت بین المللی، هزارتن از اسرا به خاک اسرائیل انتقال یافتند.

کودتای سودان در شرایط اوج گیری جنبش توده ای ضد دیکتاتوری در این کشور انجام گرفت. رژیم نمیری اقتصاد سودان را دچار بحران شدیدی ساخته است. این کشور میلیونها دلار به صندوق بین المللی پول مقروض است و مطابق معمول، این سازمان امپریالیستی برای اعطای وام های بازهم بیشتر به سودان، از رژیم خارطوم خواست تا سوبسید دولتی در مورد برخی کالاهای مهم مورد احتیاج عمومی را حذف کند. رژیم نمیری با تن دادن به این شرط صندوق بین المللی پول، قیمت نان و بنزین را افزایش داد. این امر بمثابه چرقه ای در انبار باروت بود. سودان که از ماهها پیش دستخوش ناآرامی های پراکنده بواسطه اوج گیری مخالفت علیه سیاستهای نمیری بود، به صحنه اعتراضات وسیع و بیسابقه توده ای تبدیل شد. سندیکاهای این کشور اعلام اعتصاب عمومی کردند و بدنبال آن، همه عرصه های زندگی اجتماعی در سودان فلج، و ارتباط این کشور با جهان خارج قطع گردید. درست همزمان با همین تحولات، جعفر نمیری که رژیم او باتوسل به خشن ترین شکل سرکوب بر سر قدرت مانده بود، به واشنگتن رفت تا حمایت بازهم بیشتر دولت ریگان را از حکومت خود جلب نماید. وی آنچنان به موفقیت این سفر خود اطمینان داشت که پس از ملاقات با رئیس جمهوری آمریکا، گفت: "هیچ کس نمی تواند قدرت را از من بگیرد."

بدنبال تحولات اخیر همه وزرای نمیری دستگیر و سید و پناه زندانی سیاسی آزاد شده اند. در میان آزاد شدگان، نام بعضی های چپ و نیز اعضای حزب کمونیست سودان دیده می شود. حزب حاکم نمیری بنام "اتحاد سوسیالیست" و نیز سازمان امنیت مخوف منحل اعلام شد. اعضای سازمان امنیت توسط ارتش خلع سلاح گردیده اند.

از سوی دیگر رهبران تازه سودان اعلام کرده اند این کشور به "قراردادهای بین المللی"

بقیه از صفحه اول

“مسائل انقلاب و مواضع ما”

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

رفقای عزیز!

بهترین شادبشاهی ما را به مناسبت سالگرد بنیانگذاری حزب برادر، حزب کمونیست عراق بپذیرید.

بیش از نیم قرن مبارزه در راه بهروزی و رهایی مردم عراق و علیه امپریالیسم و ارتجاع، حزب شما را به دژ مستحکم جنبش انقلابی کشور مسایه مابدل ساخته است. ما برای مبارزه دلیرانه ای که حزب شما همراه با متحدینش علیه رژیم استبدادی و سفاک کنونی عراق و در راستای برقراری صلح و برپائی حکومتی ملی-دمکراتیک پیش می برد آرزوی پیروزی می کنیم.

بشتیانی پیگیر و بیدریغ شما از جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، جلوه ای از همبستگی پرشور میان نیروهای مردمی و مترقی دو کشور است. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق (منعقد در تموز ۱۹۸۴) با صدور پیام همبستگی برای کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مناسبات والای فیما بین گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر دو کشور را به نمایش گذاشت.

مناسبات دیرینه میان حزب شما و سازمان ما همواره برایمان گرانقدر بوده است. اطمینان داریم که این مناسبات بر پایه اعتقاد مشترک به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری گسترش بازم بیشتری خواهد یافت.

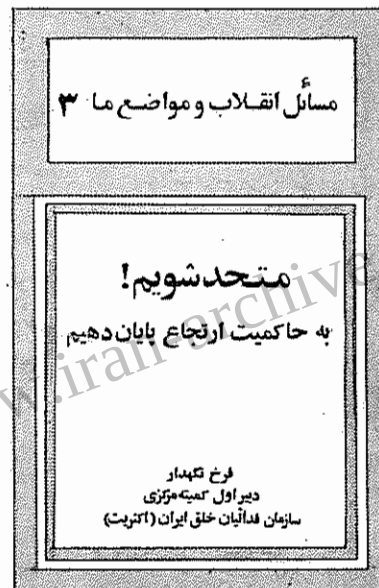
با گرمترین درودهای رفیقانه

و با ایمان به پیروزی خلقهای ایران و عراق

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

این هدف که هر یک دیگران را به صلاحیت وی ونفی صلاحیت خود برای رهبری انقلاب و ادارا سازد عملاً مانع اتحاد نیروهای مترقی کشور و نکوبین تنها آلترناتیو مطلق برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع است. اینگونه مشاجرات تفرقه انگیز است. درپشتی از این نوشته به وظایف تازه نشریه اکثریت نیز اشاره گردیده و گفته شد:

“نشریه اکثریت که تا این اواخر از طرف تشکیلات هواداران سازمان انتشار می یافت، اکنون تحت نظارت کمیته مرکزی و به نام نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور منتشر می شود. این نشریه اکنون به یک نشریه مفتکی موثر تبدیل شده و در انعکاس رویدادهای ایران برای میلیونها ایرانی مقیم خارج و انتشار مواضع و فعالیت سازمان نقش فعال بر عهده گرفته است.”



منتشر شد

استراتژیک تاجه حد است؟
* نظر شما نسبت به موافقت نامه امان و تحولات اخیر در لبنان چیست؟

در مقدمه سومین شماره “مسائل انقلاب و مواضع ما” پیام رفیق فرخ نگار به مردم ایران به مناسبت نوروز درج شده است. در بخشی از این پیام تاکید شده است که:

“عمر این رژیم خائن زیاد نخواهد پایید. اینها مثل آریامهریان سرانجام به گور سپرده میشوند. رژیم خمینی بهر حال دیرتر یا زودتر رفتنی است.”

رفیق فرخ نگار در پاسخ به این پرسش که نظر شما در مورد خمینی چیست؟ اظهار داشت:

“... او از اعتماد مردم سو استفاده کرد. او خائن به انقلاب و خائن به میهن است. او پس از اینکه قدرتش تحکیم شد راه خود را عوض کرد، با دشمنان مردم بیعت کرد و به روی پاک ترین فرزندان خلق تیغ کشید. امروز در ایران چه کسی را می توان یافت که از او منقور تر باشد؟...”

در بخش بعدی به تفصیل درباره سیاست و تاکتیک امپریالیستهای ایران بحث شده در بخشی از آن می خوانیم:

“محور اساسی سیاست امپریالیسم در مرحله کنونی نسبت به ایران جلوگیری از ایجاد یک آلترناتیو قوی و یکپارچه و کار آمد دموکراتیک و ملی، یعنی جلوگیری از تقویت و تحکیم مناسبات میان نیروهای مترقی ضد رژیم است. امپریالیسم تمام نیروی خود را به کار می گیرد تا در لحظه ای که به علت تشدید بحران در بالا و پائین امکان جابجائی قدرت پدید می آید، قدرت ملی دمکراتیک در ایران فلج و درگیر مسائل درونی خود باشد و امکان کسب قدرت توسط آن در حد اقل ممکن قرار گیرد.”

در نوشته تازه دبیر اول سازمان ما مسئله مناسبات و مسائل میان نیروهای مترقی موشکافانه بررسی شده و خاطر نشان گردید که:

“مناقشه میان نیروهای اپوزیسیون مترقی با

هزینه چاپ این شماره “اکثریت” را

رفیق مصطفی از آمریکا

تأمین کرده است

هدیه رفقای دلی به مناسبت سالگرد

تولد سازمان رسید

هدیه نقاش و هنرمند هندی به سازمان رسید

AKSARIYAT
NO. 52
MONDAY APR. 15, 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

کتاب های مالی رسیده

کتاب مالی از بیلقلد (آلمان فدرال) ۱۰۲ مارک
رفیق فرخ از مونستر (آلمان فدرال) ۷۰ مارک
پ. ن. از فرانتفورت (آلمان فدرال) ۴۰ مارک
سندیکای جوانان و ترا ۳۰ مارک
کتاب مالی از موننخ ۱۱ مارک
رفیق بابکی از دارمشتات (آلمان فدرال)
کتاب مالی به کار ۱۰۰ مارک
کتاب مالی از کیل (آلمان فدرال) ۲۲۰ مارک
رفیق م. از کیل (آلمان فدرال) ۵۰ مارک
رفیق م. ر. از کیل (آلمان فدرال) ۱۰۰ مارک
رفیق ق. م. از کیل (آلمان فدرال) ۲۰ مارک

کتاب مالی از کسل (آلمان فدرال) ۲۵ مارک
رفیق رهگلر ۲۰۰ مارک
روزبه از هامبورگ (آلمان فدرال) ۲۰ مارک
دوستان سوئسی ۴۰ دلار
کتاب مالی از اتریش برای “کار” ۵۴ شیلینگ
کتاب مالی از اتریش برای “اکثریت” ۲۰۳ شیلینگ
ی. امید یک سکه بهار آزادی
آذر از گوتینگن (آلمان فدرال) ۲۵۰ مارک
پ. ن. از فرانتفورت ۲۴۷ مارک
پ. ن. از فرانتفورت ۴۰ مارک
ستاره امید از انخلستان ... (پوند)

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!